

تلگرافات روتر راجع بایران

(۲۱ نومبر - ۷ ذیحده)

(رایل جنرال ایگل سوسایتی - انجمن جغرافیائی دولتی) دنبارک در خلیج فارس عقرب هیتی را برای تحقیقات خواهد فرستاد. دو نفر از علمای فنون تجارت در سمیت این کمیسیون خواهند بود.

(۲۵ نومبر - ۱۱ ذیحده)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که قونسول روس (جنرال پاسک کادلوبوسکی) هنگامیکه از بوشهر می آمد

(بن خانه زنیان و دشت ارژن) شاپر بر او حمله آورده و لحظه بیشتر قافله را غارت نموده یک نفر قزاق روسی مقتول و سه نفر مجروح گردیدند.

(۲۶ نومبر - ۱۳ ذیحده)

تلگراف واصله از طهران اشعار میکند که سفارت روس منبای حمله که به قونسول شده غرامت خواسته است، از تجار ایرانی که باتفاق قونسول مزبور بوده دوازده نفر مقتول و قافله شان بظارت رفته ، قونسول انگلیس مختصر گنجی برای حفظ قافله که با قونسول روس بوده فرستاده و بمصبت خود هم چند نفر سواران هندی همراه داشته است -

حبل الدین

واقفان رموز میدانند که این واقعات ناگوار جنوب و شمال تمام مبنی بر این است که مجلس را مجبور به استقراض نماید هر قدر وکلا ایستادگی در عدم استقراض کنند دایره این گونه بازیها وسعت خواهد گرفت

بزرگترین سبب مصادر امور و بالاترین خطای ایالت فارس این است که گز نکرده یاره نمودند ، و بنی القوام را بپوش سزا پاداش داده و هر یک را بمقامی رسانیدند که در هیچ زمان نرسیده بودند ، این امر اگر پلندیک تصور شود پلندیک بسیار غلط بوده است ، چه قبل از آنیکه ایالت فارس دارای یک قوه قاهره بشود و مقتدر بسرکوبی هر سر جنبانی گردد باید اجتناب از طرفداری یکبارتن به نماید ، مقتضی سیاسی همین بود که ایالت فارس بی طرفی اختیار کند تا ملت و دولت را دوجار این مشکلات عظیم نگرداند ، ما میدانیم این مخالفت دارای اهمیت نیست و دولت هر مخالف را مغلوب تواند کرد ولی بعد از آنکه مبلغ ها پول ملت صرف و مدتیهم مملکت مشوش و هزاران نفوس تلف شود ، بی نتیجه یک غلط کاری همین است ، این سهو پلندیکی مضارش برای ایالت فارس همین قدر است که بطهران جلب شوند ولی برای ملک و ملت زیاتس از حد و حصر بیرون است ، خصوصاً درین موقع نازک و بهانه جوی خارجی که از هر طرف سعی اند دولت جدید را دو رفتار آوند

اگر در این مسلك اصول مراعات دوستی اختیار شده که وای بر حال این ملت و بدا بحال این مملکت ، بقیده ما گذشته گذشته است و حالا هم هر قدر زودتر ایالت فارس بی طرف شود و علناً با یک پارتی نباشد منفید بحال ملک و ملت و حفظ مقام خودشان است ، بر فرض مصادر امور هم دستور العمل داده باشند ایالت باید موقع نازک را ملاحظه و حقیقت امر را بمرکز عرضه دارند و از قبول چنین مسلك مضری انکار کنند

سازش برخی از وطن فروشان ما مأمورین همسایه لازم به بیان نیست و هیچ حای برده بوشی نمانده ، اینک همسایگان دو اسبه مینازند که خاصه قبل از اختتام این دسمبر بی بندگی برای فرار نمودن از نفوذ خود بجهت دولت آماده نمایند از کجا این سازش را با مأمور همسایه نه نموده باشند که در خارج شیراز چنین واقعه ناگوار را پیش آورده یک قبر و چند نشان قرار دهند ، یکی الزامش را بدشمنان خود دهند و ضمناً هم همسایه را موقع داده سکه فشار بدولت جدید آورده سوق عسکر فارس نماید تا درین موقع تنگی پول ، دولت و ملت را مجبور باستقراض کند

عجبا در چنین موقع هنگامه فارس نماینده روس بطور با استعداد کم حرکت نمود و چگونه ایالت که واقف بمقتضیات کنونی این راه بود بدو استعداد کافی گذارد قونسول جنرال روس رهسپار گردد ، در شقی های این واقعه باندازه است که هر درشت بینی می بیند چه طور شد که ایالت و اعضای آن مانند نصرالدوله که گرم کار است ازین نکته صرف نظر نمودند

آیا کسی هست بگوید این واقعه سازش نبوده؟ آیا میتوان گفت این تصادف غیر سابقه بوده است؟ این سازش را کی نموده لازم به تشریح نیست ، همین قدر میگوئیم که ایالت فارس سهو کرده و خطا رفته و موقع را نشناخته ، ایالت خیرخواه و مشروطه پرست است هیچ نقص ایشان نیست که مقتضیات سیاسی مملکتی مانند فارس را نشناخته باشند ، الزام بر اعضای شیرازی ایشان است که مقتضیات را بایشان حالی نه نموده اند ، از روی کدام سیاست درست بود که با بنی القوام سکه منفور تمام ایرانند ساخته و دشمنان آنها را که هزار درجه اقوی بر آنان بوده از خود برنجاند؟ بروفق کدام عقل و سیاست بود که ایالت باطمینان بیت صاف و ساده بخود در خدمات ملیه قناعت کرده فقط بهپاهوی و تبحران چند روزه ، قبل از آنیکه قوه کافی که جلوگیری از هرگونه انقلاب میتواند نمود قوه قاهره

فارس را بر مخالفت خویش مجبور نماید؟ آیا سلوک ایالت سیاسیانه بوده است که در چنین موقع نازک فارس را دوجار این اختلال بلکه ایران را مبتلای باین تزلزل سازد، گریب بنی القوام بی تصور، حتی مشروطیت، مستدار وطن، آیا مملکت داری و نازکی موقع در چنین وقت اجازه میداد که در اظهار دوستی های علنی دشمنان آنها را بر انگیزد مملکت را تزلزل و بهانه بخارجه بدهند؟ ما مسلم فاریم دولت جدید قوی و قادر بر دفع و رفع اینگونه انقلابات هست ولی چه اقتضا داشت گری که بدست باز می شود به دندان باز نمایند، ایالت را قریباً نبوده و نیست با وضع کنونی طرفدار یک یارنی بشمار آید و طرف مقابل را مجبور بپای گری سازد، طرفداری ایالت (ما کار نداریم که دستور العمل از طهران هست یا نه) از بی القوام طشت از نام اوفتاده و قابل انکار والتأویل نیست و احدی نمیتواند زیان این مملکت ایالت را بحال ملک و ملت انکار نماید، این دوره گذشته است از آنکه اینگونه مراتب در برده استتار یابد و یا بجوابهای تو حالی بتوان قناعت کرد، اگر مجلس از ایالت یا مصادر امور پرسش نماید که چرا حکومت فارس درین موقع نازک بی طرفی از دو یارنی اختیار نه نمود (که از هرجهت سالم و صرفه ملک و ملت در آن بود) چه جواب توانند داد؟ اگر سوال شود چرا یارنی ضعیف بیکاره را طرفداری شد مگر طرف قوی ضدیت برخیزد چه بیان خواهند داد؟ اگر پرسش شود بنی القوام که شجره استبداد و تالی رحیم خان و حامی محمد علی و مردود مقام منبع ریاست روحانی اسلام بودند و باعث آنچه قتل موس و نهب اموال گردیدند چرا مقرب الایاله اش ساخته و مملکت ساکت و ساکن را بصورت امروزی در آورید چه جواب داده خواهد شد؟

وایمان رموز بدانند که اختلال کنونی فارس سخت تر است از قبل ورود ایالت و ذره بینان آتشی ابروخته در کون مملکت فارس می بینند که اگر فوری جلوگیری نشود دودش افق تمام ایران را مکرر تواند داشت، و این زیانات متصوره و وارده از اتحاد مملکت غلط و سهوی است که ایالت نموده امروز نمیتوان بصوربات قناعت نمود در هرکار مضویت میخواهد و امنیت منوی جز با قوه قاهره امتداد نگردد، تا وقتی که آن قوه قاهره بدست نیاید حکام و ایالات تراست که ترک حزم و سیاست فرموده در هر مملکت طریق اسلم را اختیار نمایند و روابطی دوستانه را کنار گذارند که آنچه ایران را بر باد جاده و بدعهد اینگونه مراعاتها بوده است

هر حال این واقعه غیر مترقبه را ما سازشی میدانیم، علت این سازشیم چنانچه ذکر نموده و مکرر نوشته ایم بر احدی پوشیده نیست و ما نمیتوانیم دست نصرالدوله که آزاد شده روسیان و عهد عید ایشان است در آن ندانیم، تحقیق این امر اهم با مصادر امور است ولی آنچه ما قیاس توانیم نمود یا فرستادگان مخصوص نصرالدوله مرتکب این امر شده و یا با اشاره آن حسه از قشقائیان که مخالف با صولت الدوله و یارنی نصرالدوله شناخته می شوند مرتکب این حرکات شده اند تا صولت الدوله را که مدعی اوست بای قلم داده بخشار خارجه دولت را مجبور بسوق عسکر و سرکوبی وی گردانند، ظاهر است که درین سازش یک تیر بچند نشان تصادف می نماید و این یکی از آن نتایج سهو مسلکی است که ایالت اختیار نموده تا من بعد چه وخامت بروز نماید و هرگاه مدلل شود مگر این واقعه با اشاره صولت الدوله واقع شده باز هم مالزام را بخفا و مملکت ایالت خواهیم داد چه صولت الدوله یانی نبود و در مشروطه خواهی او هم احدی انکار ندارد، اگر بنای مخالفت با دولت جدید و یا توجه به انقلاب و استتاش داشت مواقع عده ای که یاقه بود از دست نمیداد و اگر چنین امری واقع شده باشد مملکت ایالت یکدفعه او را مجبور ساخته و طرفداری دشمنانش که در صدد محو و اضمحلال او میباشند او را ناچار باین اقدام داشته است. سهو مملکت و خطای سیاسی ایالت فارس را هیچ چیز جبران نماید جز توجه مخصوص مجلس و کابینه وزرا چه امر خیلی سخت و قابل توجه زیاد است، امیدواریم ایالت جلیله هم نتایج وخیمه خطای مملکت خود را التذات فرموده تا جائیکه ممکن است جبران نمایند و جبران این امر این است که ایالت خود را بی طرف ثابت نماید و با بودن نصرالدوله بروی کارهای ابائی نبوت بی طرفی محال است عقل سلیم دوستی نصرالدوله را که نسبتاً هیچ از وجودش ساخته نیست با دشمنی صولت الدوله مانندی که همه کار میتواند بکند تبدیل نمی نماید، خصوصاً درین مورد که او مضروب ملت و این محبوب ملت است، او حامی مشروطیت شناخته شده این حامی، او منفور طبقه روحانیات و این محبوب، بر فرض که بمراعات دوستی از طهران هم دستور العمل رسیده باشد پیروی ایالت کبری از آن مسلکی که سر تا پای زیانی طاند بملک و ملت است قطعاً جناب سهام الدوله سخت مسئول اتحاد این مملکت خطا و غلط رفتار سیاسی خود خواهد بود و تادم خواهند شد وقتی مگر قناعت را سوده نباشد

بقای اسلام در اتحاد مسلمین است
 اَلْبِرَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَلا تَتَّزَعُوا
 (فتشوا و تذهب ریحکم و اصبروا)
 ظاهر معنی آیه شریفه اینست که اطاعت خدا و پیغمبر نبی و اختلاف در میان خود راه ندهید که اگر میان شما اختلاف افتد بر همدیگر بد دل و دشمن مینشوید پس بدین واسطه دولت شما بر باد رود، خداوند در این آیه شریفه اطاعت خدا و رسول را در اتفاق مسلمین دانسته و ایقاع خلاف و قبول اختلاف را مخالفت امر خدا و رسول مقرر فرموده و نتیجه اختلاف را دشمنی و بددلی مبین داشته و انجام این خصومت را بر باد فنا رفتن دولت و سات نفوذ امر قرار داده و بواسطه سرعت زوال دولت و نفوذ امر ببردن باد نصیر و در عدم اختلاف صکه اطاعت خدا و رسول است امر بصبر و بردباری فرموده و بان الله مع الصابین تبشیر مفرماید اسلامیان در مفهوم و مصداق این کلام معجز نام تفکر نمایند و به بینند که در بدو اسلام مدام که تخم خلاف در مزرع اتحاد ایشان پاشیده نشده بود و مواخات ایشان به معاداة مبدل نگردیده بود چه دولتی داشتند که با هیچ دولتی مقابله نکردند مگر اینکه آن دولت را محو و نمودند و با هیچ ملتی مقابله نمودند مگر اینکه ایشان را یا داخل ملت اسلامیة و یا جزیه بده دولت اسلامیة کردند و در اندک زمانی شرق و غرب سکره ارض را بر از صیت (الله و محمد رسول الله نمودند، تاریخ ظهور اسلام سرعت ترقی او در عالم نبود مگر بواسطه کلمه اتحاد که مصداق اطاعت خدا و رسول بود و بعد از آنکه دست استبداد تخم خلاف در مزرع اسلام پاشید و برخلاف امر خدا و رسول بنسای منازعه باهم گذاشتند رفته رفته کار به دشمنی و مقابله کشید و نتیجه این شد که دولت اتحادیه اسلام بباد فنا رفت و علی الاتصال متدرجاً اراضی اسلام بتصرف دول صلیبیه رفت و دولت های مستقله اسلام محو و نابود گردید و ملت اسلام از هفت جزء شش خیزش یعنی از سیصد و پنجاه میلیون سیصد میلیون عیدناه جزء ملل صلیبیه کشتند و بقیة السیف هم در میان دول صلیبیه بمناسبت مقوم و منتظر وقت معلومند که با این جهت کفر بر سر پاشند (یا للمسلمین یا انوا

انقطعت والآجال قد اقتربت فواقة ما اربکم الا ما اری و ما احدیکم الا سبیل الرشاد)
 ای مسلمانان شمارا چه روی داده که از خواب غفلت بیدار نمیشوید، چه داعی شده که بهوش نمی آید، باسلام و صاحب اسلام سوگند گویا که می بینم روزی را که دست حسرت و ندامت را بدندان می خایید و لطمه بر صورت خود می زنید و خاک بر سر می پاشید و میگویند و می نایند که چرا روزی که پنجاه میلیون بقیة الاسلام در دست دولت اسلام بود و جرائد و مجلات اسلامیة در کار بود و ما را به اتحاد و اتفاق دعوة میکردند و به حایة اسلام میخواندند ما خود را بخواب زده و گوش ندادیم و چاره آتیه اسلام و ملت اسلام را با نشان دادند و ما خود را بکوری زدیم و ندیدیم (الان قد ندمت و ما ینفع ائدم) ای معاشر مسلمین تا فرصت است بهوش آید تا وقت است بیدار شوید و عرایض ناصحانه جان نثاران اسلام را بشنوید امروز این بقیة السیف اسلام استظهار ندارد مگر با اتحاد و اتفاق زیرا که طفل ابجدخوان هم تصدیق دارد که چون قطرات اتحاد کنند اوقیانوس شود و چون ذرات اتفاق نمایند کوه ابونفیس گردد، حروف مهمل و جمع یعنی چون مرکب شود روح معانی بر آنها دمیده شود، چون کلمات مفرده باهم جمع کردند کلام یصح السکوت علیها شود، جسم نامتناهی و عالم بدین عظمت مرکب از اجزاء لاینجزی است، قاطر لیون مجموعه اتحاد است شرافت بذر از تمدن و گرد هم جمع آمدن است، مقصود از سواد اعظم در حدیث علیکم بسواد الاعظم سواد اعظم اتحاد اسلام است نه تمدن و پاریس و برهنگام و توهم نشود که مقصد از اتحاد اتحاد در فروع است که اختلاف در فروع مانع از اتحاد نیست بلکه مقصود اتحاد در سیاسیات اسلامی است که حوضه اسلام و معاشر مسلمین را از هجوم اجانب نگاه داری کند و شریعة محمدی را مردم روحی تازه بخشد و اعتراض نشود که اتحاد اسلام مانع از حریت و مساوات است، زیرا که مقصود از اتحاد اسلامی صدمه زدن بر ادیان سائره نیست زیرا که آن کسی چکه امر با اتحاد مسلمین فرموده امر به حسن معاشرت با تمام بی نوع هم

مفهوم آیه شریفه مقصود طرفداران اتحاد اسلام را
ببخوبی بیان می کند که

(مرا بخیرتو امید نیست شرمسان)

چون مقصود معین شد ~~سکه~~ تصیم عدالت و
اخوت و تحصیل عمومی است کدام حریت خواه
است که بتواند این معنی را اسکار کند و بگوید که
تحصیل اتحاد اسلام منان با حریت و مساوات است ؟
جای تاسف و محل تحسر اینجاست که بلعاطف مذکور
باقیاء سیاسیون اروپا در بای تخت بزرگ اسلام جبراند
یومیه و مجلات را از اثر مقالات اتحاد اسلام ممنوع
ساخته اند !

آه آه که ما مسلمانان از جاده سیاست و کیاست
هنوز فرسنگها دوریم اگر نشر مقالات اتحاد اسلام
بواسطه اینکه بزلف یار بر میخورد در تحت ممنوعیت
باید باشد پس چرا نشر مقالات و تحریرات اتحاد
صلیبیه و سیر و سیاحت دعاء مسیحیه در اراضی
اسلام بتاری از آن زلف بر میخورد (يك بام و دو
هوا حیرتم از چشم بندی خدا) قال الله تبارک و تعالی
و من استدی علیکم فاعتدو علیه بمثل ما اعتدی علیکم -
مقابله بمثل حکمی است نرعی و عقلی و عرفی
(با کج رو شان کج رو با راست روان است)
(با خلق در این مرحله چون تیر و کان باش)
اگر گشته شود که قوه مقابله بمثل نداریم و
جز تحمل چاره به میگوئیم تحصیل اتحاد کنیم تا
قوه حاصل آید و ننگ تحمل بر خیزد فایده اتحاد
بتمام طوایف اسلامی و امت محمدیه بالسویه است و
نتایج و خیمه اختلاف باید همگان است

ای معاشر مسلمین عالم اسلامیت وجود واحد
است و فرق مسلمین انضاء و جوارح آن موجود
است ، اتحاد کنید و نگذارید مدعیان این وجود
مقدس را ناقص الاعضا بایند ، پای نگویید که دست
از من بیکاه است اگر او را بریدند باکی بر من
نیست ، دست نگویید که طام بای دخیل بام من ندارد ،
با اتحاد حایت همدیگر نبایند و الا این رشته ضایق
طایقت بضای تمام وجود کند و اسلام محو و مضطرب
گردد .

ای طوایف مسلمین بیچاره شوید ، ای کلام علی
نیکان بیکان را از دست ندهید و برادران

اسلام را بقوت ذاتش را بفریت مبدل سازد و در
سایه این قوت و عزت حریت و مساوات برقرار
بوده و هیچ قوی نری به فحکر بلعیدن ضعیفی
نیتند و هر قوی حدود مشروعه خود را نشناسد
و بر حقوق دیگری تعدی نباید این اتحاد اسلامی
قطعه نظر از حیطه سفاک اسلام صلح عمومی را
در آید ضایات ~~سکند~~ و مسئله ترک سلاح را
مسجل سازد درگ را با میث و گربه را باموش
شبی کرداد زیرا که سیاسیون براند تیره و تدارک
و تحمل مصارف حریت دول ناشی از صنف اقوام
و حکومتی آبیست

تمام قیل و قال و مذ-ازعات بر سر لحاف ملا
نصرالدین است اگر ملا نصرالدین صاحب قوه دفاعیه
متمد به باشد کسی در فکر ردن لحاف او نیفتند و
این قیل قال مبدل بسکوت گردد که گفته اند اگر
صلح خواهی آماده جنگ باش ، اگر رادری خواهی
در محاسبه دقیق باش ، حاه را محفوظ کن تا همسایه
را دزد نگبری ، مقصود از اتحاد اسلام تکامداری
حوضه اسلام است به تعدی بر حقوق مسیحیت ،
مقصود از اتحاد اسلام تحصیل صلح عمومی است که
عایت قصوای حریت و مساوات است ، مقصود از
اتحاد اسلام تأمین عدالت و اخوت است حریت
خواهان اسلام بدانند که مقصود طرفداران اتحاد
اسلام تشیید بهان حریت است و تحکیم اساس عدالت
که حریت در سایه اتحاد بیشتر دوام کند و بساط
الحکم لمن تلب از روی عالم بر چیده شود هر قوم
حدود خود داند و حقوق خود شناسد و بر حدود
تعدی بر دیگری نیاید ،

خداوند احدیت در آیه کریمه میفرماید (واعدوا
لهم من قوه و من رباط العیل تردبون به عداقه
و عدوکم) یعنی تیره نباید از برای مدافعه کنار
قوه سلاحیه و قوه سواره تا اینکه بترساید با آنها
دشمنان خدا و دشمنان خود تائب را ، مقصود
از اعداد لشکر و سلاح ترسانیدن کفار است تا
طمع در اسلام نکند و حدود خود را بشناسند و
بر حقوق مسلمین تجاوز نمایند نه محو نمودن کفار
چنانکه ما بدآیه میفرماید لو ان جنحوا للسلم فاجع
لهم یعنی اگر چون ترسیدند و طایل صلح شدند

• (وزارت تلگراف)

حکم مطاع حضرت امرآیة الله خراسانی را همین طوری که جناب مستطاب وکیل الرطایا اظهار داشته اند تلگرافاً همه ولایات ابلاغ و اعلام نمایند، سردار منصور (حکم واجب الاتباع آیة الله خراسانی)

بسم الله الرحمن الرحيم - مجلس محترم عالی وهیئت معظمه وزواء عظام دامت تأییداتهم - هرچند بدیهی است تحلیص دولت و مملکت از این مهالك فلیبه با این حالت حالیه و کثرت مخارج و بی بولی دولت موقوف بکمک و اعانت عموم ملت است و البته عبرت دلیله و حیت وطنی و همت اهل ایران هم از سایر عبرت مند عالم که در مقام حفظ وطن چه اموال بذل نموده و می نمایند کتر نخواهد بود، لیکن بشرط آنکه ابواب حیث و میل و مداخله و اجبار کیته های سرب و ستاریه و غیرها و سایر چیاول چیان مملکت که خود را مجاهد ملی قلم داد و ملت فلك زده را از همه چیز بیزار کردند مسدود کرده و زمام جمع و حفظ و صرف در مصارف لازمه مملکت در هر یک از بلاد بکف کفایت معتمدین ملت که امامت و دیانتشان معلوم است موصول باشد و مثل دوره سابق که معلوم نشد وجهی که بعنوان امانه و بانک ملی جمع و کجا رفت باشد، معلوم است با اجتماع شرایط معروشه اول افراد ملت در دودارائی از دادن اقلایک تومان و علیهذاقیاس در راه حفظ وطن مضایقه نخواهند داشت و جهاد فی سبیل الله خواهند داشت و این حادمان شریعت مطهره هم آنچه تکلیف دلیله و وطنیه مقتضی است عموماً اعلام خواهیم نمود انشاءالله تعالی و باید القای این اعمال در طهران بامضای علماء و اصرا و شامرادگان و وجوه تجار معین و در سایر بلاد هم انجمنهای ابائی و ولایتی بامضاء عموم علماء و اعیان تعیین و مد اعیان هم اطلاع بدعید انشاءالله تعالی

من الاحقر الخجانی محمد کاظم الخراسانی

مکتوب بوشهر

بشارت - روزجمعه ۲۸ شوال در بوشهر تفرقه گرفته شد و شش نفر وکیل مقرر گشت لاکن باز مشکل است عمل ختم شده باشد، زیرا که میگویند دویست ورقه رای یک خط و یک مرکب و ساختگی کرده بودند که فلان شخصی را که منشاء فتنه و فساد

• (طریق تکالیف رها کنیم)

- وین درد را بیادۀ الفت دوا کنیم
 - بیکسو نهم شکوه و عهدی که درالست
 - با هم به بنه ایم در ایجا وفا کنیم
 - تا ما هم برادرانه علی رغم مدعی
 - دستی دهیم با هم و شوری بیا کنیم
 - در عیش و نوش تنبیت از هم سبق بریم
 - بر میکس - ال عهد ازل اقتدا کنیم
 - نیکو کنیم دست سبنداد را ز ملک
 - قانون شرع و عدل بخود پیشوا کنیم
 - از ورطه هلاک بساحل کشیم رخت
 - بر مسند جلالت اسلام حاضر کنیم
 - شد شرع پاک احد مختار پایال
 - در راه دین و وطنه خود را ادا کنیم
 - احباب را ز بحر بلا بر کران کشیم
 - اعیار را به مهر و وفا آشنا کنیم
 - هر جا که مسلمانست ز تازی و ترک و فرس
 - بی قید اعتبار را در صدا کنیم
 - نایبیم بر حایت و با دست اتحاد
 - پیرامن صبوری خود را قبا کنیم
- از اخوان دین خود که طرفدار اتحاد اسلام اند مستندی است که در ایجوله آنچه تواند مقالات را مضایقه فرمایند که افکار عامه امروز متوجه این امر مقدسند
- والسلام علی اخواننا المسلمین حیماً و رحمة الله
برکاته و تحیاته

خواهش جناب وکیل الرعایا

• (ار وزارت تلگراف)

چون حکمی از مصدر جلالت بدگان حضرت مستطاب اسلامیان بنامی حج الاسلام و آیة الله فی العالمین آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی متعالیه المسلمین بطول بقائه مبنی بر لزوم دادن امانه بر عموم افراد ایران و اسلامی برای اصلاح مملکت از مناسد حالیه و مخاطر حاضره صادر شده است لهذا لازم شد که اسواد آرا بتمام ممالک محروسه ایران برای استحضار خاطر عموم ایرانیان و امتثال از این درمان لازم الاتباع و الاطمینان بخابره شود معلوم است مرحمت فرموده امر بجناب خواهد فرموده فرموده رضی خدا و وکیل الرطایا

اول شناخته میشد دوباره انتخاب کرده و یک‌نفر از منتخبین هم جداً استعفا داده ظاهراً میگوید از کارهای شخصی باز میانم لاسکن باطناً مقصودش بی ترتیبی انتخاب است، چیزیکه مایه اطمینان میباشد انتخاب جناب خارقانی است که ایشانهم یک‌نفر از شش نفر منتخبین هستند اگر قبول کنند و بمانند میتوان گنت بخت بوشهریهای بیدار شده است راه بوشهر و شیراز که بواسطه عبور ایل‌قشقائی مشغول بود تا يك درجه بهتر شده امید است تا هفته بعد بکلی امن شود، لاکن رئیس‌بست را دیدم که هیچ‌حواس ندارد جهت رسیدم گفت بعد از آنکه مدت‌ها بود امانت قبول می‌کردیم چون چند بست سلامت رسید چند فقره امانت قبول کرده فرستادم الآن خبر رسیده نزدیک کازرون به سرعت رفته دیگر چه حواس میماند دریاپکی همین چند روزه از بندر عباس می‌رود بندر لنگه و زود می‌آید بوشهر

نمره (۱۶) سال (۱۷) نامه مقدس را مطالعه میکردم رسیدم بصفحة دهمستون دوم سطر چهاردم که (ادارات حربی اینجا موضوع مسخره و مضحکہ هرداخله و خارج‌شده و از بسکه جبل‌المقبر در اواخر فریاد زد خسته و وامنده گردید باوجود این هنوز نظر آقایان وکلاء بدین‌مسئله توجه فرموده و مبروم بست در چه وقت فرماید) بعد از مطالعه این مطلب بر خود پیچیده متحیر شدم که خود اخبار نکار مذکور در این‌مورد زحمتی که وکلاء کشیده‌اند فراموش کرده چون این خیال مجسم شد دیدم عنداقه بر من لازم است که توجه وکلاء انجمن را که در اداره حربی نموده‌اند اظهار شکم که اجر آنها ضایع نباشد، در اوقاتی که سولجر و توپ خارج پیاده شد که سربازهای نمک بحرام ما که بکلی ملاحظه و منظور نه مجموعه را ندارند رفتند زیر بیرق انگلیس بست نشسته و اظهار حقوق عقب مانده خود را کرده در صورتیکه چند روز قبل از آن قریب شانزده هزار تومان صاحب منصبان نمای حقوق خود را از گمرک بوشهر که از طهران حواله شده بود نقد گرفته بودند، بعد از رسواییهای زیاد که قلم‌شرم میکند بیریك از سربازها چیز جزئی داده بسرباز خانه عودت دادند و این مسئله به سرکرده فوج

خیلی گران آمده بود و در صدد تلافی با آب شرب‌های بدذات نمک بحرام بود و شرارتی بالاتر از این در ایران نیست که کسی احقاق حقوق کند، چون در خود شهر منزل داشت بناعده نمیتوانست تلافی کند به بهانه گرمی هوا عمارتی در بیرون شهر اجاره کرد و رفت، بهر کدام از سربازها بانواع مختلف صدمه زده و هرچه از قارتی خانه سید امری و سایرین برده بودند برای خود گرفت یک‌نفر شیذورچی که در زمان بست رفتن بیشتر از سایرین مطالبه حقوق میکرد و خیلی حراف بود گرفت زنجیر کرد و باقسام مختلف او را شکنجه میکرد که چرا مطالبه حق خود و سایرین کردی یک‌نفر از تجار معروف حکه از عضو انجمن بود بدیدن صاحب منصب رفته بود ضمناً این سرباز بپجاره محبوس مغلول به ایام و اشاره در وقت عبور از جلو محبس به حاجی التجا کرد حاجی استخلاص او را درخواست نمود روز بعد اتوری از او باقی نبود وکلاء انجمن از فقدان آن بپجاره خبر شده رفته به صاحب منصب نوشته سرباز را خواستند صاحب منصب خودش به انجمن آمده گفت او را مرخص و روانه شیراز و اسنهان کردم بعضی تصدیق و بعضی تکذیب کرده چون قدری مسئله را سخت دید گفت این مسئله که نقلی ندارد مینویسم باو که بیست روزه به بوشهر حاضر شود و خودش را به پند که در حیات است، انجمنیهای مثل من ساده قبول کرده الحمد لله بخیر و خوشی و خوبی مسئله را ختم نموده داد مظلوم از عالم گرفته شد، دیگر نم از شیذورچی اتوری ظاهر و نه از آقایان اقدامی مشاهده شده، بیست روز می‌روز بلکه چهار ماه و ده روز آن بپجاره هم تمام شد و هیچیک را به یاد نماند که چنین عهد و میثاقی شده در اینصورت انصاف نیست که اجر ضایع شود و اخبار نویسی بنویسد که در ادارات حربی توجه نشده!

تلگراف وزارت داخله در خصوص (مکانیات بی‌امضا)

بصوم رؤسای تلگرافخانه‌های ممالک محرومة تلگراف شود، چون اغلب نوشتجات حکه از ولایات بوزارت داخله میرسد بی‌امضاء و اشخاص آن غیر معلوم هستند لهذا از تاریخ این تلگراف

تذکرات بانجمنهای ایالتی و ولایتی

(از کیسیون عالی)

انجمنهای محترم ایالتی و ولایتی دامت برکاتهم -
بیمارگی و مینت در زیر سایه حضرت حجة العجلاته
فرجه افتتاح مجلس مقدس شورای ملی شیداته ارکانه
به غره ذیحده سه ساعت بیروب مانده مقرر است -
بترتیبی که وزارت جلیله داخله بموم بحکام مخابره
فرموده مراسم جشن و سلام بعمل خواهد آمد البته
آن انجمن محترم هم در این موقع مسعود ترتیبات
لازمه را مراقبت مخصوصه خواهند داشت

رئیس کیسیون مستشارالدوله ۲۹ شوال

تذکرات در اصلاح عمل مالیه

عموم پیشکاران مالیه ولایات را اظهار میشود
چون پیشکاران مالیه ولایات باید در صحت امور
مالیاتی و عمل محاسب محلی جدوجهد مخصوص نموده
و از هیچگونه مراقبت در خدمت محوله نظر
بمسئولیتی که دارند دریغ نمایند ، لهذا لزوماً اعلام
میشود که باید بمحقوق خرج آمده دستورالعملی
ولایات مراجعه و دقت نماید آنچه را که مستوفی و
جزو دستورالعمل خرج می آید ، پرداخت نموده
فوراً بوزارت مالیه صورت ارسال دارند و آنچه
را هم که از حقوق محلی چه استثنائاتی وجه قشونی
خرج دستورالعمل می آمده و مطابق باواقع نیست
پرداخته صورت مجزو و بایله بفرستید و منتظر
دستورالعمل مجدد شوید چنانچه چیزی از این قبیل
حقوق پرداخت شود دیناری بخرج شما نخواهد آمد
و هرگاه عدم مراقبت شما هم در این مائل ظاهر
شود مسؤل خواهید بود (وزیر مالیه ۲۹ شوال)

(اجرت تذکراتی بندر عباس)

قیمت مخبرات از بندر عباس بولایات مملکت
محروسه و از ولایات به بندر عباس را بنازکی ده
کله بانزده قران قرار داده بودند ، امروز مجدداً از
وزارت تلگرافخانه اعلام شده که ده کله بانزده
قران را از قرار کله می شاهی بگیرید بعبارت
آخری هرگاه دو کله مطلب باشد یا بیشتر همان کله
می شاهی است باعتبار عدد کلمات بیست کرفته
میشود سه کله چهار قران و نیم چهار کله شش
قران ده کله بانزده قران . (۲۹ شوال)

اختلاف میشود که ریاست تلگرافخانه در بابت ریاست
بیست بموم اهالی اعلان نموده اطلاع دهند که
بید ازین وزارت داخله بنوشتهجات بی امضاء
وقتی نخواهند گذاشت و نوشتهجات رسنی و غیره که
در وضایت یا شکایت از حکام و مامورین دیوانی
یا در مطالب دیگر بوزارت داخله میفرستند باید
باسم و رسم و لقب و شغل درست امضاء نمایند
که بخوبی شناخته شده در مطالب اظهاره آنها از
روی بصیرت رسیدگی و احقاق حق بعمل آید
وزیر داخله شب ۲۹ شوال

تذکرات در باب افتتاح پارلمان ایران بحکام

بموم فرمانفرمایان و حکام کل و جزء ممالک
محروسه تذکرات شود - بشکراه انتظارات اهالی
ایران در زیر سایه حضرت حجة العجلاته فرجه
بمهداته بحسن خاتمه انجام پذیرفته بیمارگی و مینت
مجلس مقدس شورای ملی روز غره ماه ذیحده ۱۳۲۷
سه ساعت بیروب مانده رسماً افتتاح میشود ، عموم
ایالتها و حکام کل و جزء ممالک محروسه را اعلام
و بشاوت میدهد که در روز مزبور تشریفات جشن
این عید سعید را از قبیل مراسم - اعلام عمومی
و شلیک دوازده تیر توب کاملاً اجرا نموده و
در نقاط لازمه که قشون دولتی و ملتی حاضر باشند
نمایشات ملی بر تکمیلات جشن این روز مبارک
بفرزاید
وزیر داخله شب ۲۹ شوال

ایضاً تذکرات در خصوص افتتاح

(دارالشورای ملی)

بموم فرمانفرمایان و حکام کل و جزء مخابره
شود - امروز صبح تذکرات مفصل در اقامه
مراسم تشریفات جشن و سرور افتتاح مجلس مقدس
شده حلاهم تا کیداً در تکمیل آن متذکر میشود که
باید از هرجه مراسم جشن کامل و ممتاز باشد و
گذشته از سلام دولتی و شلیک دوازده تیر توب
و نمایشات دولتی و ملتی باید همه جا چراغان کرده
در نقاط ممکن آتشبازی هم بکنند ، مخصوصاً تذکرات
صبح را با این تذکرات تمام انجمنهای ایالتی و
ولایتی ابلاغ فرمائید که در انجمنها هم مراسم جشن
و سرور و چراغان و شامانی کاملاً معمول بدارند
وزیر داخله شب ۲۹ شوال

حبل المتین

اگرچه این اضافه قیمت طامر است که بواسطه سیم تحت البهر است ولی بقیده ما اینقدر اضافه سبب قلت مخارات خواهد گردید خصوصاً در صورتیکه هر تلگرافخانه انگلیس کتر از این میگیرد، خوب است وزارت تلگراف مجدداً درین مسئله غور فرماید، چه مثل معروف است دو ده نیم بهتر از یک ده یک است، علاوه بر آن گویا اگر این نرخ مخبرات تلگرافان باقی ماند ترقی تجارت که منظور اصلی است از موضوع خارج خواهد گردید

مکتوب از کرمان

از قرار معلوم هرگاه خداوند خواسته باشد در این شهر هم چند سال دیگر مشروطه خواهد آمد و قانون ملی وزارتخانه ها آفتاب خواهد شد، فعلاً همان ضابط همان مالیات همان قانون های ملضیه از شاهی چهارصد شاهی از یکی صد شاهی از یکی چهل شاهی مالیات میگیرند بکنز گوسند ندارد الاع ندارد مالیات گوسند و خر را از سر او میگیرند، بکنز هرار گوسند دارد بکشای نمیدهد، یک کلانتری هر کرمان بود و پول گرفته است که اصناف بهر قیده ما بلند میوه جت را بفروشد، هرگاه عیدادد حکم میکرد بقدری ارزان بفروشد که صرفه نداشته باشند، تمام این اخذ و عمل هارا دفتر سه رمفی ضبط کرده هرکدام زیادت و بهتر ضبط و ثبت دارد البته مقدم است، چنانچه یادگار عصر عشق وزیر کرمان شاگرد خواجہ غلام الدین علیه الرحمه تمام این جزئیات را ثبت دارد، طریقه اخذ و عمل مالیات بلوکات یا حومه این است — مثلاً یک قبض اصل مالیات میگیرند یکی دیگر فروطات و اضافه که آنها شاید کتر از اصل باشد پس از آن چهل بجاه قبض میگیرند، استصواب تمام اجزای دفتر از مستوی و عشق و عزب دفتر و فراش قسط و اغلب اجزای حکومت و حق الحکومه و غیره، دیگر عمل ضابط یا رعایا جداگانه است، اغلب بلوکات کسر عمل داده، البته ضابط باید بقول خودشان از چوب و فلک پادار نماید، اغلب مستقریات و ارباب حقوق و استحقاق اهل علم را از همین مأخذ آخر حواله مینمایند که ضابط معطل نموده و کم و کسر کنند این است مالیات که اصله حکم شده بگیرند در صورتیکه

اغلب شتر و گوسفند والاغ و طیای را سارقین بردارند همچنین ابالی ناظر بر همین عمل باید باشند باز هرگاه موضوعات را با غیر موضوعات مساوی میکنند شاید ممکن بود تخفیفی بقرا داده بعضی عمل های بی با و موقوف میکنند دیگر قاق ها و جری های ضابط علاوه میباشد، البته حکومت نیز مأمور است که بر حسب حکم دولت و تعیین دفتر کرمان که بمنزله لوح محفوظ است مطالبه نماید، با همه این معایب چیزی که مایه تشکر است امنیت است که از ورود حکومت تازه دزدی راهها و حوالی شهر موقوف شده است

البته تمام کارهای فارس بصرافت پیش آمده و الا چگونه ممکن است کسی مسلمان باشد از اوضاع زمان بصیر باشد ملاکت و محو ملیت وطن خود را مشاهده نماید در اینجا بوض خدمت بوطن و ابناء وطن بوض نوشداروی محبت زهر ملامل بکام وطن علیل خود ریخته اسباب استیصال بلکه اضحلال او را از عدم امنیت یا تاراج رعیت فراهم آورد، خوب است پسران قوام حالا دیگر خدمت بدوات و ملت مشروطه به نمایند و این را هم بدانند که این محبت های طاعری نمایندگان خارجه زهر خند است ما نباید از دوستی یا دشمنی آنها باور نمانیم که بولتیک آنها تغییر می یابد

از وحیم خان حکمی زیادت در سرحدات آذربایجان بهاء بدست حرجه نداد، امروز حالی معلوم است

مردم خارجه در این چند سال هزار درجه زیادت از دولت ایران واقف بر جزئیات وطن ما شده اینک اختلات ملکی از حد گذشت و موقع بهاء و سید فوراً قشون آنها بجای خواهد رفت که تمام زن و بچه خورش طلبان در تحت قدرت آنها باشد، ویشه را قلع میبایند، چرا امروز تو کن مغان قدرت مزدی ندارند، قشون روس او به آنها را از بیخ و بن می کند، همچنین چهار خرد دزد هر چه یا باولو را بگیرند بکشند امنیت و جلوگیری نیست توپ و سر باز او به آنها را دایره وار احاطه میکنند پس ایلات ما که همیشه قشون ملی ایرانی بوده آنها نیز مانند دیگر حاکمان و ارباب مستقرات

شکافنده جز خیرنامه ضرعی ندارد، دول خارجه در ممالک که دیدند محتاج بامنیت است فوراً تمام قوت خود را که عبارت از راه آهن است بآن نقطه می‌رسانند امروز در تمام سرحدات هند دولت انگلیس در مدت سه روز صد هزار قشون متوقف هند را می‌رساند، آن احمق مغرضی سکه بر ضد مشروطه ایران کتاب نوشته بود که چون دولت ایران ایلات زیاد دارد مشروطه ممکن نیست از بی علمی و عدم اطلاع از اوضاع زمان بود، راضی بود که زن و بچه ایلات اسیر کنار گردد و ایران بر استبداد یعنی اضحلال بماند، ما باید ایلات را حای و حافظ دولت و ملت و وطن خود بدانیم، ای برادران آذوقه نمائید دست اتحاد بهم دهید، قشون ایران را فوراً ترقی داده در مقام از دیاد مالیه ایران باید برآمد معدن شناس لازم است که ذخایر هزاران ساله را از شکم خاک خارج نماید، معلم لازم است و بس، آیا در مدت سه سال ممکن نیست مالیه خود را چند برابر نمائیم (چرا) آیا سالی چه قدر پول از ایران بجهت خرید مس - آهن - برنج - سرب - وسایر ملزومات می‌رود، آیا چه قدر بجهت خرید نیل - هت - کبریت، قند، چای، بخارجه، می‌رود، بمحمدالله آن موانع رفع شد، که برخلاف قانون شرکت عمومی راه آستارا را بنیر اجاره دهد

باید فلاح و زراعت را ترقی داد، بفرض در جان رعیت استطاعت ندارد مثل بلوچستان دولت طایفه هارا آباد کند برعیت واگذار نماید، اغراق نیست، شوخی نیست، قنات طایفه سرحد خاش و نصرت آباد در یکسال آباد می‌شود ده هزار تومان از مالیات بلوچستان خرج نمائید، مقی از یزد حاضر است اجیر شده برود

سال دویم حیره و مواجب بجهت فوج سرباز و سوار و جازه سوارها موجود است که هم زراعت نمایند هم سرحدات جنوبی شمارا کافی است، پول خری و سری درد شمارا دوا نمیکند باید تجاروت را ترقی داد، هنوز با وجود ارزانی پیه شمع مارا از خارجه می‌آورند يك نفر وطن پرست تاجر مشروطه خواه یا قوت طلب پیدا نشد شمع سازی را جاری نماید، صابون را ترقی دهد، از قبیل آنها صد هزار است که هر جنسی شا کروورها

پول شما را بخارجه جلب مینماید، ترقی رعیت ترقی دولت است، اول امنیت را قائم نموده سپس علم و اشاعه داده، شهرت ژاپون در این چند ساله از صنعت و تجارت آنها شد که نتیجه آن را ملاحظه فرمودید

مکتوب از دزفول

(قابل توجه وزارت داخله)

حمد خدا را عز و جل که با توجهات اعلی حضرت امام عصر ارواح العالمین فداء و بذل همت و مجاهدت رجال بیور وطن پرست ترقی خواه دوره ذلت و نکبت و فلاکت اعلی ایران سپری، دست تعدی و تطاول انحرار و ظلمه کوتاه، شجره خبیثه ظلم و استبداد قطع و اساس آن از این خاک پاک و وطن عزیز کننده و برجیده و بمحمدالله قانون اخوت و مساوات دایر و بساط عدل و دادخواهی بین و گسترده شد و باین موهبت و نعمت مشروطه کامیاب و نائل آمدیم، کنون که باین مقصد مقدس فایز شدیم این فدائی ملت از آن منبع قنوت و غیرت و جوهر اسنایت و مدنیت استثناء دارم قربتاً الی الله و صلواتاً لمرضاه معروضه دلیل را درنامه مقدسه درج که شاید بلحاظ مبارک حضرت اشرف وزارت داخله مدطله رسیدم و در صدد علاج و آسایش عباد بر آمده این مخلوق فلک زده بدبخت ما دزفول را از چنگال انحرار خارج و داخل رها و از قید عبودیت آزاد فرمایند

روز پست وششم شهرالله قافله بسیار بزرگی از دزفول برای استنمان و شوشتر حرکت نموده قریب یکصد هزار تومان مال التجاره و پول نقد با آنها بوده، جنشید پسر آقا رضاخان سکوند بمعاونت سرتیب خان سکوند ما بین قرینش شاه آباد و کاولک تمام قافله را جاییده و ینها نموده حامل و محمول را برده ضرر و خسارت کالی بمحضرات تجار و مکاری وارد آمده مالک و مستاجر فلک زده دهات غربی که حالا هت ماه تمام است باکمال زحمت و مشقت مخارج فوق العاده زرع صیبی بعمل آورده، بنجم شوال سرتیب خان سکوند که حوالی دزفول سکونت دارد بدون مقدمه به سوار خود حکم نموده دهات آن طرف پل را با تمام جاییده اند طرف و تالکاو و گوسنند و غیره آنها را قنوت نموده از آب کرخه عبور نمودند رعیت

بیچاره با کمال یأس و ناامیدی متفرق شده با دست خالی به شهر آمدند

مجرد روز متوالی هم سوارهای سرتیب خان سکوند با قاطر و الاغ در دهات آمده شلتوک و زرت و ماش و غیره دهات را حمل نموده بردند هنوز زخم جانگداز و صدمه دلخراش سرتیب ملتئم نشده در دم شوال حسن خان سکوند با قریب هزار سوار و پیاده کافر دل بی رحم در دهات غربی آمده آنچه از دستشان برآمده و قوه داشتند خرابی و خسارت بزراعت صبی وارد آوردند و چند روزی در دهات رحل اقامت انداخته این فرقه هم هر قدر ممکنشان بود شرارت و هرزگی نمودند

تا اینکه فرج بعد از شدت و یسر بعد از عسر حاجی عزالمالک از طرف حاجی فخرالملک حاکم عربستان با صد سوار بختیاری بسرکردگی آقا رحیم خان که از رجال با کفایت است در (۱۴) شوال وارد شد

با موافقت و مساعد آقایان علماء و جناب قطب السادات و عماد دفتر در صد رفع تعدی و دست اندازی سکوند و اصلاح مناسبت دیگر برآمده ابتداء عده سوار و تنگچی از علیمردان خان قبلی برای حفاظت دهات معین نموده مقداری هم تنگچی دزفولی با آنها رفته در دهات مقیم باشند رعیت متفرقه را هم اطمینان داده طرف دهات فرستاده بقیه صبی را جمع نمایند، روز ۲۰ شوال نایبالحکومه و رحیم خان با سوار بختیاری سوار شده طرف دهات غربی رفته سکه رعیت اطمینان کلی حاصل نماید

اتفاقاً بی خان پسر کاظمخان سکوند با جمعیت زیادی از سوار و پیاده در قریه دوبند از برای بردن شلتوک آمده تنگچی دزفولی و سوار قبلی با آنها طرف شده دعواشان میشود یک رأس مادیان از سکوند ها کشته و آنها را شکست میدهند، در این بین سوار بختیار بختیاری از راه رسیده بدون تأمل طرف سکوند ها رفته دعوی سختی میبایند هشت نفر از سکوند ها مقتول و مجروح نه نفر دستگیر قریب بیست رأس قاطر الاغ گرفته با قلع و نصرت ولوله شهر شدند، اهالی با کمال شوق و شغف

صدا را بپاها بلند، حقیقتاً تشکر وجود جناب نایبالحکومه و سرکار رحیم خان بر ذمت اهالی فرض و لازم است

بهبترین تشویقات قدر دانی است
اداره جلالالتین تا امروز از خدمات ملی و مجاهدات وطنی هر یک سرداران و جوانان غیور وطن آنچه توانسته است تمجید و تشکر نموده و زحمات هر یک را بدون اعراق محض یادگار در متون تواریخ درج جریده گردانیده است

لیکن از ایفاء تشکرات و اداء تمجیدات یگانه جوان مرد غیور جناب امیرالامراء العظام آقای یار محمد خان کرمانشاهی دام اقباله که در رشادت و کفایت و وطن پرستی و جان فشانی سرآمد مجاهدین بوده و در برابر قشون استبداد مردانه مقاومت و جان بازی نموده و با برادر والا کهر خود (حسینخان) کرهت در انهدام اساس استبداد بسته و در توره تبریز در رکاب سردار ملی حضرت ستارخان رشادت و دلیریا فرموده و همیشه قائد عسکر و پیش جنگ نظام ملی بوده است فراموش نموده

این جوان مرد غیور شایسته جمیع ستایش و تشکرات است و خدمات جهان قیمت وی هیچوقت فراموش نخواهد شد، عموم ایرانیان از غیرتمندی و وطن پرستی ایشان نهایت امتنان و تشکر دارند و ما محض اداء تشکر گذاری و اظهار خدمات صادقانه ایشان مرقومه سردار ملی حضرت ستار خان که در واقع بهترین توصیف و تمجید از مراتب رشادت و خدمات آن وجود محترم است درج خواهیم نمود

مرقومه سردار ملی حضرت ستار خان
(دام اقباله)

زحمت انزای شوم - خاطر عالی مسبوق است که در این مدت مدید در حضور آن وجود محترم از احدی بمقام معرفی بر نیامده ام از آنجاییکه خدمات و زحمات جناب امیرالامراء العظام یار محمد خان کرمانشاهی دام اقباله همواره منظور نظر اولیاء امور بوده و فی الحقیقه در رشادت و جوان مردی و کفایت سرآمد اهل زمانه است مخصوصاً بر خود فرض دانست. شمه از خدمات ایشان و مراتب وطن پر

پوستی و ایران دوستی شان بطور اختصار اظهار و عرض نمایم که در روزنامه مقدس حالات ایشانرا درج فرمائید -

این شخص وطن پرست که از نجیاء و خوانین محترم کرمانشاهان است بعد از وقوع سانحه میدان توپخانه قصد محافظت و جانبداری دارالشورای ملی محض غیرت و حیثت که دارد کرده است و در میان بسته با یک نفر برادر خود حسین خان نام عزیزت طهران میباشد ، هنگامی وارد قم میشوند که کعبه آمال مسلمین را با توب خراب و منهدم ساخته بودند این شخص بلند همت غیرتمند اوضاع را مشاهده نموده ناچار اسب و سلاح خود را فروخته متواری میشود ، همیشه انقلاب آذربایجان گوشزد خاص و عام گردید با هزاران زحمت و تعب با تغییر لباس از پیراهه پیاده خود را به تبریز میفرستد همان اوقات که شوفا و دعوی بدرجه اعلی بود تقریباً چهار ماه تمام در همه جنگها کمال رشادت و جلالت را نمود بلکه در اکثر ادعواها پیش جنگ بوده و کار را بطور خوبی پیش میبرد در ایندت که مصدر خدمات عمده شده بود اعمال دلیرانه و اعمال صادقانه وی موجب مزید امتنان این خادم ملت و هموم گردیده است در جنگ اخیر تبریز پایش گاوله خورد و هنوز التیام نیافته است

شکارنده از جنوه مینکارند

حمد خدا را که منادیان حریت و ترقی از هر گوشه وطن عزیز صدای فرح افزای خود را بلند نموده و داد وطن خواهی میدهند و امیدواریم که این حس ملی و هیجان اسلام پرستانه برادران ما روز بروز درتیزاید باشد و باندك دقتكافی هموطنان عزیز بی بضار و منافع خود برده دوست را از دشمن بشناسند و باصلاح خرابیهای سنوات آخری تاریخ خود کوشش نمایند ، شکارنده برخلاف عادت دیرینه خود طن بینی (کم روئی و رعب بی جا) که حلقه اغلب بدبختیهای ملت جبارت نموده خدمت باقاعه جیلالتین که هفتده سال هم خود را صرف خدمت بیگانه و ملت مسکونه عرض میکنم بعضی

مطالب را که نزد اغلب ایرانیان بیچوجه اهمیت ندارد و حال آنکه همان جزئیات بی اهمیت در صفحات تاریخ ملل متمدنه جای بسیار مهم را تصاحب نموده این جزئیات خیلی طولانی است و امید است که در همین نزدیکی جزوها باسم (نور و ظلمت) منتشر شده و بمرح آنها به پردازد و لزوم مقدمات ترقی را بیان نماید ولی مقصود از مزاحمت فقط چند استدعا است نه فقط جناب عالی بلکه همه ادارات و مطبوعات وطن عزیز ملاحظه فرموده و در صورت صحت عمل فرمایند

(۱) استدعا داریم که برای رضای خدا و محبت بوطن اقلأ در تمام ایران بیست روزنامه در نقاط مختلفه طبع شود که همه ما هم منتفق بوده حای يك اراده و عازم يك مقصود باشند - در فلان تاریخ که یکی از آنها مطلبی را بحث نمود ما بتی هم ببارات مختلفه یا بینه همان را ذکر کنند (گرچه همه جرائد ما حمایت مشروطیت و - و - و را سر لوحه خود قرار میدهند ولی اغلب وا امتحان نموده ایم !!)

(۲) لوائح و مقالاتی که بیشتر عمومیت و اهمیت دارد هرگاه بتوسط يك جزوه مختصر بین مردم یا فروش یا مجامعاً منتشر کنند مزید تر خواهد بود ، چرا که روزنامه دو یا متها پنج روز در دست خواهد ماند ولی جزوه همیشه خدمت خواهد کرد (مثل ترجمه قوانین نظامی - تجارتي - زراعتی - وغیره) که از خارجه بدست میآید باین طرز خیلی با قیاده است

(۳) تکلیف جریده نیکاران امروز وطن ما غیر از آن است که در سایر دول متمدنه مجامعاً برقرار است ، این آقایان نه فقط باید در فکر طبع و نشر روزنامه و دریافت وجه باشند بلکه باید آنها را فرح دانسته مقصد اصلی را بیدار کردن ملت بدانند ، برای انجام این امر گذشته ازین که لازمه هر روزنامه نویس وطن پرستی است باید از هر نمره جریده خود اقلأ بیست عدد در نقاط مختلفه دور و نزدیک مجامعاً بفرستند و سالی باشند که طبقه کارگر و پیشه ور از او قیاده ببرند دود و مرگ را بفرستند نه فلان دولتدند از عالم بی خبر

ضمناً آت را هم شنیده ام که نیکلا حکم

نموده است که در روسیه محمد علی را اعلیحضرت خطاب کنند نه محمد علی، و خواست این حکم را خواهید دانست - راستی نیدام علت چیست که پس از ۳ ماه هنوز عکس او از روی تمبرهای پست عمو نشده و بطور رسمی همه جا دایر است

حجرات خارجه

§ (اعلیحضرت منیول) پادشاه پورتگیز امروز وارد بندر (پورستوتیه) شده و لیمپد انگلستان استقبال شتافته سپس در قصر (ونڈسر) رفته با (اعلیحضرت ادورد) مهمم و خانواده سلطنتی ملاقات نمود

§ تلگرافی از (توکیو) رسیده که امپراطور ژاپون با (لارڈ کچنر) ملاقات کرده و بمصراه اورا دعوت نموده

§ بمناسبت اعتشاش در شهر (بنوس ابریس) قانون نظامی جاری گردید

§ (لارڈ چارلس برسفورد) برای منتخب شدن خود در مجلس شورای ملی سی خواهد نمود

§ اداره بلدیة لندن اراده دارد که از نزدیکی کلیسای (سنت پال) جبری بصرف دو میلیون لیرا تعمیر نماید

§ (سرویلیم و لکسوک) در انجمن جغرافیا دیشب دربارة (مسیو بوتیه) نظمی نمود - عقیده او این است که پس از حفرا نهار و تعمیر راه آهن ساحل بابل مانند مصر ترقی خواهد کرد، و ما حصل آن يك مليون (طن) گندم، دو مليون هند رویت ببه و يك مایوت گوسفند و مواشی خواهد شد. از دمشق تا بغداد با صرف (۲۲۰۰۰۰۰) لیرا راه آهن تعمیر تواند شد

§ از (واشنگتن) خبر رسیده که رسماً اعلان شده که بموجب عهدنامه چن و ژاپون معادن جنوبی منچوریا و راه آهن (انتنگ مسکن) به دولت ژاپون احاره داده شده، اهالی آمریکا از امتیازات محروم هستند

§ در (کینیای) قرب مجلس ملی نارنجکی ترکیده چار تصور می شود که عرض از انداختن نارنجک این بود که انتخاب وزارت مجلس ملی معطل ماند (اعلیحضرت ادورد مهمم) با کیسیون فوق العاده مجلس چن در قصر (ونڈزر) روزشنبه ملاقات نمودند

§ (سر ادورد گری) و وزیر خارجه (برچوگین) بر تسوید قرارنامه عهدنامه نانی امضا نمود، در دربار سلطنتی اعلیحضرت ادورد مهمم به (اعلیحضرت منیول) (کاتر - جوراب بند) اعطا فرمود، دیشب در مجلس سلطنتی (اعلیحضرت منیول) بعد از تبریک بیان نمود که او پادشاه مملکتی است ادورد مهمم که صد سال

سال دوست صمیمی پورچوگیز بوده (اعلیحضرت منیول) در جواب اظهار داشت که از پذیرائی محبوبانه که در انگلستان بمن شده فوق العاده متأثر و مسرورم از اینکه یقین دارم اتحاد بین دولتین هماره قائم خواهد بود و در عالم نظیری خواهد شد

§ امروز در عمارت (گادمال) اعلیحضرت منیول مدعو بودند در جواب نوشیدن جام صحت بیان نمود امیدوار است که اتحاد قدیمه این دو دولت هماره قائم خواهد بود، در اتحاد پلنگی ترقی در اتحاد محکم است ولی بلحاظ تجارت امورات زیاد ناتمام است که باید تکمیل بشود، و دولت (برچوگین) در این امر سعی و کوشان خواهد بود

§ سفراء دولت چن مقیم لندن و رؤم با کیسیون مخصوص چن در (جنیوا) ملاقات کرده، دولتین ایتالیا و آلمان و کلا مخصوص جبه ملاقات کیسیون مزبور فرستاده و در منازل مورد پذیرائی شایانی از او شده است، امیر البحر (گرت) و مستر (السن) محکمه خارجه بحضرت او در انگلستان خواهد بود و کارخانه تعمیر جهاز و بندرگاه را هم ملاحظه خواهند نمود

§ (مستر کولتیس) نماینده دولت (آسترلیا) در لندن ضمن نطق خود اظهار داشت که (آسترلیا) را خیال اینست که این مملکت کلیه تصرف اروپائیان باشد و هیچیک از آسیائیان آنها نروند ولو هندی باشند

§ تلگراف (پترسبرگ) ظاهر میدارد که دوکتور (موتونو) سفیر دولت ژاپون مقیم روس جبه عیادت پدر خود در ژاپون رفته این افواه غلط است که سبب رفتن وی کدورت سیاسی است

§ وزیر خارجه (برچوگین) جبه تسوید عهدنامه تجارتی در قصر (ونڈزر) تدارک می بیند، خیال وی اینست که در این سیاحت خود تمدن کتب گلمه بخرد ولی تکمیل عهدنامه تجارتی نرود و دولت

مدسوس نموده اند زیرا تحقیق این قضیه در چندی دیگر خواهد بود

فی الحقیقه اگر عدالت و انصاف و حسن قائل و بعد نظر و تبصر در میان بودی و مقاله مذکوره را از روی حقیقت بینی مطالعه میکردندی آن گاه دانسته میشدی کسی که معتقد بدین مبین اسلام نباشد مقایه خودش را معنون به حدیث شریف بزرگان دین مبین نمی نمود که (ادا فدا العالم فدا العالم) و یا دیگر عبارات چون (عالم نمایان) و یا استشهاد به اعمال و افعال و اقوال حضرات حجج الاسلام نجف اشرف نمی کردی و و الخ - چون اکنون مقام تدقیق و تحقیق نص مقاله و تجزیه و تحلیل عبارات آن نبوده و آنها را بوقت دیگر گذاشته ایم - ولی اکنون در اینجا از کیفیت و چگونگی تشکیل عدلیه و محاکمه و مرافعه نایب مدیر جبل الملقین بوده و مات و منحیر مانده ایم که در این موقع نازک و وقت باریک که دشمنان داخلی و خارجی هر ار چشمه سنگران احوال احرار بوده دیگر این چه گای بود که در کاستان وزارت عدلیه اعظم ما رسته شد ! آیا هنوز ما پس از این همه خانه خراب باز دست از میانه و اغرای برداشته ایم (عدلیه اعظم) یعنی چه . وزارت وزرات عدلیه است دیگر اعظم و اصغر لازم ندارد ، دیگر آنکه اگر کار وزارت عدلیه اعظم بدین نحو بگذرد آن گاه ما را عدلیه اصغر لازم خواهد بود که عدلیه اعظم را قربان یک جفت جنم و دو طای ابروی مستبدین احرار ما باید نامیم وزارت عدلیه اعظم آقا جان من محاکم ابتدائی و استثناف و نقض و ابرام لازم دارد و محکمه مخالقات و قباحت لازم دارد و برای اینها قضاة لازم دارد و برای قضاة قانون لازم است و برای قانون مدنی و جنائ و جنح و تصدیق حضرات حجج الاسلام نجف اشرف لازم دارد ، و برای محاکم چهار گانه با اختلاف درجات آن مدعی عمومی و وکلاء نیابت عمومی از طرف شریعت مطهره و سلطنت دستوری لازم دارد . و برای تشکیل این محاکم قانونیه نواح و نظامات تشکیل و تأسیس لازم دارد و برای مرافعه جناة و مجنوحین و متهمین وکلاء دعوای و محامین (افوکا) لازم دارد و دارد و دارد البته آیا در محاکمه نایب مدیر جبل الملقین بومیه کدام

بخارج قشون بحری دولت آلمان یک میلیون و نیم بیشتر از اندازه مشاهده می شود و از قشون بری یک میلیون و نیم کمتر
§ در (پورتسموتیه) با کمال جلال و عظمت استقبال از (لارڈ چارلس برسنفور) نموده شد ، حملجات بحری ارباب او را بدست کشیدند ، ضمن لطف خود از نایب جہازات بحث نمود
﴿ قتل از روزنامه حکمت ﴾

(من ذالذی ما ساء قط و من له الحسنی قط)
(پادشاه خدمات و تقاضا میجده ساله جبل الملقین)
ما در مقاله خاص در شماره گذشته آشکار نوشته ایم که دوام و بقا دستور در ایران امروز بسته بدو چیز است ، اول محو اعدام و نابود ساختن مجرمین استبداد و مشاهیر مستبدین بوده - دوم بخشیدن مستبدین از درجه دوم و سیم است که درباره آنان عنی الله عما ساء باید گفت .

اما خواستن نابودی رؤسای مستبدین را سبب یکی این بود که اینان را در این مدت سه ساله در ایران چه بسا تیرهای سه بر زهر آورد از احرار بر جگر شان تا بر نشسته است و نیز این احرار نامدار اند که پلاس این گروه مکروه را بر آفتاب انداخته و کون و بطون ضاغر و نوایای خبیثه اینان را آفتاب کردند و نیز این مائنه طایفه میدانند که پس از این کلای دزدی و بیداد گری آنان را در بازار حریت و حکومت دستوری دیگر رونق و رواج و ارزشی نخواهد بود ، این است که برای این سه سبب نباید اینان را دوباره سر کار آورد و بدین کار سپرد - زیرا که در این ایام فترت یا خلوت که هنوز ریسه حکومت دستوری در ایران محکم نشده است این فتنه باشیه خود شان را احرار نامیده و بدین اسم در حین فرصت دمار از روزگار احرار ملت خواهند در آورد ، چنانچه آثار آن در سفارت ایران اسلامبول ظاهر و اینک هم در عصر حکومت جدید طهران نمایان گردید .

اکنون ما کار بزرگت و زیبای و حق و باطل بودن بقای مستدرج در شماره ششم (جبل الملقین) طهران نداریم که این مقاله آیا از قلم جناب آقا محمد حسین نایب مدیر آن بوده و یا او را استقبال

يك از اینها متوفر و منطبق بود ؟

مدعی در محاکم عدلیه نایب و مساعد و یا وکیل و یا خود مدعی عمومی است نه اهل بازار و وزارت معارف - دیگر آنکه مطبوعات در عموم دول یکی از ادارات وزارت داخله است نه از خصائص وزارت معارف یا عدلیه . دیگر آنکه این همه خونها ریخته شد تا رفع ظلم و استبداد و مستبد اعظم از ملت مطلوبه گردد نه اینکه قانون مطبوعات که به الحاح و تحریض او در مجلس شورای ملی گذشته ~~سکه~~ وکلاء را استغفال نموده و نود نفر را در پارلمان حاضر ساخته و شصت نفر را که انگشتر گردان محمد علی مخلوع بودند آموخته و این قانون مطبوعات را که بجز در محلیه عبدالحمید و محمد علی مخلوع و چند نفر باقی و حای دیگر نبود در آن روز بدین مکر و حيله مقرر نموده و آتش خایمان سوزی از آن روز افروخته گردید . دیگر آنکه اگر همه اعمال و افعال پارلمان گذشته مرعی الاجری است ، پس قرارات گذشته آن کو و بکجا رفته است - گویا در روز ۲۳ جادی الاول همه ایها از کالوله توپ مستبد اعظم تار و مار شده مگر این قانون باک و پاکیزه مطبوعات ما که در سینه و یا در لوح محفوظ ارباب اتمام و اهل کید و شید بامداد ثابت نوشته و محکوم مانده بود که امروز افتتاح و دشت آن را درباره جبل المتین بکار بردند ، انشاء الله مبارک است !

نچون برای بسط مقال و شرح وقایع جاسوز این قصیه تمهید و مقدمه لازم است که مطالعه حکمت از نتیجه آن مطلع شوند لذا ما در این شماره حکم محکم (محکمه حزاء) عدایه اعظم را که رسماً در گرامی جریده (مجلس) در شماره ۱۴ بیج شعبان سال ۱۳۲۷ نویسانیده اند در اینجا نصاً بدون تصرف مندرج نموده و ملحوظات خود مان را درباره این حکم محکم بشمار های آینده گذاشتیم . و همین قدر اکنون میگوئیم

(سهم اصحاب و رامیه بزی سلم)

(من بالعراق لقد ابدت مر ماك)

شعبه قصایه و عدلیه صورت حکم

(محکمه جزا در خصوص جبل المتین یومیه)

(منطبقه طهران نمره ۶)

بموجب عریضه حضرات اصناف دارالخلافه

طهران و اظهار وزارت عدلیه علوم و فنون عقاب در تحت عنوان (اذا فسد العالم فسد العالم) که در شماره ششم یومیه جبل المتین طهران منتشر شده در حضور هیئتی از نمایندگان علمای دارالخلافه و هیئت منصفه جناب میرزا مصطفی خان منصور السلطنه که بتصویب وزیر عدلیه سمت مدعی عمومی انتخاب شده اند بر میرزا سید حسن کاشانی نایب مدیر روزنامه جبل المتین طهران اقامه دعوی نمود ، پس از استطلاقات که در مجالس عدیده بعمل آمد روز بیست و یکم شهر رجب مجلس محاکمه منعقد گردید میرزا سید حسن کاشانی در مجلس استطاق و محاکمه سلب مسئولیت مدیری را از خود نموده جناب آقا سید جلال الدین مؤید الاسلام که سمت مدیری کل روزنامه را دارد واگذار می کرده علاوه متذکر میشد که وزارت علوم پس از انتشار نمره ششم روزنامه از مشار الیه سند گرفته و او را مسئول روزنامه قرار داده است و نیز اظهار میکرد که نویسنده مقاله (اذا فسد العالم فسد العالم) شخصی دیگر بوده بهیچوجه مسئولیتی که از این مقاله منتج میشود بر من وارد نیست ، علاوه در باب عبارات روزنامه نمره شش (لیکن بدترین موقفیکه قومیت و استقلال ایران را مضحل و نابود ساخت الی آخر) توضیحاتی داد که بموجب آن توضیحات معلوم میشود این عبارات منافاتی با مذهب جامعیه اسلامیه ندارد و اظهار کرد که عقیده من هم همین است چون بموجب عنوان صدر و امضای ذیل روزنامه جبل المتین سمت نیابت مدیری میرزا سید حسن کاشانی ثابت و جناب آقا سید جلال الدین مؤید الاسلام که از طهران نایب هستند و او منماً نمیتواند در مندرجات روزنامه رسیدگی نماید تکالیف و مسئولیتهای منسوب عنه بمسئله نایب مدیر وارد است و چون بموجب ماده (۲۸) قانون مطبوعات اقدام کنندگان بطبع و مدیران روزنامه و مدیران آن و هم چنین رئیس مطبعه و فروشنده و نشر دهنده مسئول است و چون بموجب ماده هشتم قانون مزبور مدیر روزنامه مکلف است که قبل از طبع و انتشار روزنامه مسئولیت خود را با توضیحات دیگر که در مساعده مزبور مندرج است با اداره انطباعات کتبی اطلاع دهد تا اینکه اداره انطباعات او را و اطلاع

اقدام این امر نماید چون بموجب ماده (۱۲) قانون مطبوعات در مقالات با امضاء و تقی مدیر با نیابت او هم مشمول نیست که از منیبات مسلمه واضحه چیزی در مقاله آن مندرج نباشد و چون مقاله نمره شش (اذا فدا العالم فدا العالم) محتوی منیبات واضحه است و اثبات آنکه خود میرزا سید حسن کاشانی نویسنده آن مقاله نیست و توضیحاتی که در باب عبارات روزنامه داده است مشولیت مدیری مشار الیه را سلب و ساقط نمیکند علی هذا بنا بدلائل مذکوره فوق هیئت محکمه جزا باتفاق آراء میرزا سید حسن کاشانی را برای طبع و نشر مقاله (اذا فدا العالم فدا العالم) که مخالفت صریحه با نص ماده (۲۳) قانون مطبوعات دارد مجازات ذیل صکه در ماده مذکور مصرح است محکوم مینماید

تادیبه مبلغ دو بیست و پنج تومان مجازاً و بلاعوض بیست و سه ماه حبس و بیست و سه ماه توقیف و روزنامه جبل المتین، توضیح اینکه ابتدای مدت حبس و توقیف روزنامه از روز یکشنبه چهاردهم شهر رجب است ۱۳۲۷، محل مهر معاون حضرت، محل مهر محکمه جزا، صدر الاشراف، مشاور الملک، آقا شیخ هادی

حالا ابتداء حکم مذکور را با اعتراض خودمان در کینیت اساس محاکمه که خارج از همه گونه قواعد و اصول است در پنج بنده مندرج می نماید .

(۱) در عموم حکومت دول روی زمین محاکمه بر دو قسم است، حکم فردی، یا هیئت قضاوت. حکم فردی آن بود که تا پارسال در ایران جاری بود. که حفظ مال و جان رعیت و یا عموم مال و جان رعیت در میان دول حاکم مستبد معلق و مربوط بود،

دوم هیئت قضاوت است که آن هم بر دو قسم است، یکی به شریعت آسمانی، دوم به قوانین زمینی. آنکه آسمانی است حاکم شرع به تحقیق جهت متمم پرداخته و حکم خدا را درباره متمم از برائت و یا اجراء حدود خداوندی مجری میدارد، اما آنکه زمینی است صکه يك ملت جمع شده و گروهی را وکیل خویش معین نموده و آن وکلاء برای حراست و تحفظ جان و مال مردم قوانین و

قواعد و نظامات تأیید کرده و به تصدیق اولوالامر که مجلس شوری است رسانیده و آن وقت ناقدالمقول و سرعی الاجری میگردد. اکنون باید بدانیم درباره جناب آقا سید حسن نائب مدیر جبل المتین کدام يك از این قوانین و قواعد بکار رفته و محاکمه او از روی چه قاعده و کدام نظام بوده است. اگر به موجب قانون مطبوعات قدیم که از رشحات امکار محمد علی مخلوع و همدان او بوده و این محاکمه و حکم واقع شده است، پس کونصوص مرافعه و شروح مدافعه و حیثیات حکم. و در این حالت هم عدلیه اعظم لازم نبود، زیرا این از خصائص مرشح ایجابی قانون مطبوعات در هر جا که هست (وزارت داخلیه) بوده که يك امدار انذار به موجب (حکم اداری) صاحب روزنامه و مطبعه را باندازه اعمال او منطبقاً به مواد قانونیه مطبوعات محکوم نموده و تنبذ حکم هم از اختصاص هیئت نظیبه و پولیس است

و این هم درحالت ایست که آن قانون مطبوعات از مجلس مقدس شورای ملی مصدق شده و از جمیع شوائب طاری و بری بوده باشد. پس از قرار معلوم محاکمه نائب مدیر جبل المتین معلوم شد که از روی قانون مطبوعات و به صرف نظر از مصدق و غیر مصدق بودن آن واقع شده است. بند (۷) سند گرفتن وزارت معارف از نائب مدیر جریده پس از انتشار نمره ششم جبل المتین است و این هم معلوم نشد که این سند بکدام قانون مستند بوده و مقصد چه بوده است. زیرا خود این سند مبین این است که جناب آقا میرزا سید حسن تا تاریخ آن سند مسؤل از مقالات جریده نبوده و بر از گرفتن آن سند، مسؤلیت را قبول نموده است پس در این حال هم قصاص قبل از وقوع جنایت در هیچ شرع و قانون جائز نیست بند (۳) در حال جواز و منع بودن قانون مطبوعات قدیم دیگر شعبه قضایه و عدلیه لازم نبود.

بند (چهارم) کدام شعبه قضایه و عدلیه عیباً این (شعبه قضایه) از کدام اصل قضائی و با محکمه قانونی جدا و منشعب شده است، قوانین این محاکم و لوائح آن کدام است؟ اساسی قضات و

محلین هیئت محاکم قضائیه کدام ، و قوانین معمول بهادرات محاکم اراضی و یا سهوی است ؟ اگر سهوی است ، پس مسأله قضاوت هیئت شرع مطهر کو و در کجاست ؟ یا اگر ارضی است مواد و اصول و فصول آنها کدام است ؟ یا اگر همین قانون مطبوعات (معارف کس) است دیگر شاخ و برگ شبهه و عدایه بر آن بستن خارج از مقولات است . بند (پنجم) آن بند محیر العقول و مذهل الافکار و مدعی الخواطر است که میگوید .

« تادیبه مبلغ دوست و بچاه تومان مجاً و بلاعوض و ۲۳ ماه حبس و ۲۳ ماه توقیف روز نامه » است

خوب ، گرفتیم که صاحب روزنامه مستحق الجزاء بوده و قوانین ارضیه و سهویه از جهات سه هم مصدق این حکم بوده است آیا برای يك نفر منهم سه مجازات در يك جزاء در يك تهمت مجوز و مسوغ کدام قانون ارضی و سهوی است . دیگر آنکه کلمه (غرامت یا جرمانه) مجاً و بلاعوض در هیچ قاموس قضائی یا لغوی دیده نشده است . مجاً یعنی از مقتنیات و اندوخته ها چیزی بدون قیمت و بدون نمن بکسی دادن است (نه پول مجانی دادن) مثلاً روز نامه و مدرسه را قیمت اشتراك و تعلیم فلان قدر تومان است و برای بعضی از مردم مجاً یعنی بی پول است . دیگر کلمه (بلاعوض) است معلوم نشد که این سارع تازه ما را مقصود از کلمه (بلاعوض) چیست ؟ ربط این دو کلمه در عالم « انشاء و املاء و ادبیات در صرف و نحو و معانی و بیان و بدیع » لغت فارسی یا عربی مرتبط بکدام يك از علوم و فنون است آیا شنیده شده است کسی غرامت (تاوان) یا عوس داده باشد !! و یا جرمانه مجاً داده باشد . لذا از مطالعه احکام فوق و ملاحظه کیفیت محاکمه و مرافعه که نه اصل تهمت حرفیاً و نه صورت مرافعه و نه شرح مدافعه و نه توضیح منطوقات مواد قانون مطبوعات مصرح و نه مزج و خلط قانون مطبوعات به شبهه جزاء به عدلیه و نه و نه الحی موضوع است . لذا و ذاک چنین مستفاد بل محقق میشود که جناب نائب مدیر جریده جبلالمتین وجه المصلحه واقع گشته و هدف انتقام

مقالات دوسال پیش در طهران و مقالات متوالیه در جبلالمتین کلکته گشته که در انشاء لشکر کشی به آذربایجان وقایع پس از آن و و و و الخ دو دو جبلالمتین شروحات وافیه و کافیه شده این است که بدین بهانه از امروز آغاز خونخواهی و انتقام است که زهر چشی به ارباب معارف رسانیده تا مستبدین احرار نما در میدان امراض و کین تیزی دو اسبه بتازند و از این غافل اند

(چراغی را که ایزد بر فروزده)

(هر آنکس پند کند ویشش بسوزد)

دیگر این تهمت بر جریده جبلالمتین تحقیق و حکم برائت و یا اثبات آن از خصائص حجج حجاجه نجیب اشرف بوده است نه از اختصاصات قانون مطبوعات .

و باین سبب بود که از چند ماهی می نویسیم که باید مستبدین اکبر را يك يك محاکمه نمود و باید هر يك از آنها را بفرخور گناه او کینز و مجازات داد و باید بقیه را دست از کار کوتاه نمود و کار بدینان نباید سپرد ، زیرا این ناجوانمردان پس از این در انظار ملت چون اولولو (مژگن) دیده شده و به موجب حکم محکم امای این ستمکاران در پیش قانون شوری با ادنی کارگر و بزرگر و دروگر مساوی برابر و یکسان خواهند بود از اینروی از امروز خودشان را فدوی حریت نامیده و هزاران قسم قران یاد کرده و چندی هم بذل مال نموده تا خوب احرار ملت را خدعه زده و آنان نیز به مفاد (الکریم مخدوع) فریفته اقوال مزخرف اینان شده و بآنان گرویده و آنان هم دوباره بسر کار آمده و بدین گونه دمار از روزگار احرار خواهند در آورد .

باری امیدواریم که (مجلس شورای ملی) بزودی منعقد شده و هیئت کابینه وزراء مسؤل را برپا داشته و قوانین و قواعد و نظامات لازمه را در هر خصوص برای کشور ستمدیده با تبصر و تعقل و تأمل تام آماده نمایند تا سخن و چشکال این گرگان خون آشام و گرگسان لاشه خوار را از این این ملت مطلوبه بکاز عدالت ببرند و ریشه این ناجوانمردان را به تیشه و کلنگ حقانیت بکنند

تا بگذرد این روزگار تلختر از زهر

بار دیگر روزگار چگون شکر آید

تلاش از کرمان مینویسد

امروز هزار درجه زحمت و اهمیت کارهای ایران زیاد تر از تصرف طهران و تغییر سلطنت است انگریزها میگویند ملك گرفتن چندان اشکالی ندارد تکامداشتن مشکل است، میگویند سلاطین آسیا هندوستان را مکرر گرفته لکن هیچ کدام نگاه نداشته انگریزها هنر کردند که این مملکت وسیع بر جمعیت بر قیمت را گرفته نگاه داشته بواسطه این نعمت عظمی از تمام دول عظمت و ثروت آنها زیادتز شده ، امروز باید حضرت اشرف وزیر جنگ و حضرت اشرف وزیر داخله که از روی حقیقت و وطن پرستی این خدمت بزرگ را بوطن و اهل وطن خود فرموده و امروز اس اساس امنیت اجتماعیه ایران آن دو وجود مقدس میباشند باید شب و روز در مقام ترقی و حفظ امنیت ایران باشند به تلگرافات غرض آمیز شهرها اعتنا فرمایند چه عادت اهالی در این چند سال بر این جاری شده که بتلگرافات عذبه اولیای دولت را گول نموده اغراض خود را بدست آورند، مسلم است هر دو ضایفه که از یکدیگر شکایت می نمایند یکی صاحب غرض است و هر دو طرف میخواهند حقانیت خود را ثابت نمایند خود را وطن پرست و دولتخواه قلم میدهند باید در مقام تحقیقات برآمد تا حقیقت از جهاز آشکار گردد امروز اینقدر از این القاب بلند و اساس دولتی و ملتی زیاد است که دیگر محل اعتنا نیست

دولت انگلیس کرورها پلیس آشکار و ملیون ها پلیس مخفی در هندوستان موجود دارد باوجود این همه پلیس باز اگر شخص مقصر بر پلیس مدعی شود که دروغ میگوید تهمت بمن زده است ادعای او مسموع است باید پلیس تصیر مقصر را ثابت نماید از اینجهت هر وقت میخواهد مقصر را بگیرد اول ثبوت او را تهیه نموده بعد او را گرفته بمحکمه کلکتر میبرد ، همه امورات قانون و علم میخواهد باید مامورین بی غرض بی طمع که محل اطمینان باشد برای تحقیقات هر جا مامور فرمایند اهالی ایران معلوم که حب وطن بهم نوسانند که ممکن نیست ایران ترقی نماید الا دعوی حب وطن هر

وطن شدند همت ساعت ترقی خواهند کرد دین ایمان وطن آنها ترقی خواهد کرد مثل دولت انگلیس ژاپون آلمان و الا ممکن نیست قدسی رو به ترقی بروند، خیلی عجیب است که ما میگوئیم حب وطن از ایمان است و دروغ میگوئیم لازمه حب وطن حب ابناء وطن است متصل بجه بخون یکدیگر رنگین میکنیم

معدودی از روسای روحانی که درد دین و حب وطن و ابناء وطن را دانسته در مقام حفظ استقلال وطن و حفظ دین و حفظ بیضه اسلام برآمدند، بحمدالله تا یکدرجه ایران را از مخاطره نجات دادند آنها قابل ریاست مدت میباشند لکن در این شهرهای دور دست ماشاءالله چشم بد دور بکنز از این وجود های مقدس نه برسید چرا علمای عتبات عالیات حرکت بایران میفرمایند چه واقع شده ، والله بك واعظ با روضه خوان روی منبر نکند چه هنگامه شده است آبیاری است روحانی باید همینطور باشد آیا تکالیف مذهب حقه اسلام و شیمه اتنی عشریه که ما دعا دعوی داریم همین است؟ فقط تکلیف علمای اعلام همین است که اسنادی مهر نمایند موقوفاتی جلو گیرند کاش نپذیرمودند! چرا عوام ائناس اعتنا بدین ندارند، عموم خلق عالم اول بی دین یا بت پرست بوده ایما و اوصیا و علمای هر قوم مردم را دعوت بحق و ارشاد نموده، عجا علمای خارجه از راه دور از مغرب بمشرق آمده بدعوت خلق مشغول ، ماها ذره درد دین نداریم حب وطن نمیدانیم مساجد ما معابد ما حالش معلوم است، اگر امام عصر عجل الله فرجه ظهور فرماید خوب در رکاب مبارک آنحضرت جهاد میکنیم! تلگرافات عذبه برکز نموده حاکم مقتدر جار میخواهند ما متوقیم که مدارس جدیده مفتوح نمائیم مردم علم صنایع بیاهوزند مریض خانه دایر نمایند لکن موقوفات مدارس و مساجد و تکایا را هم میخوریم میخواهیم باب ظلم را مسدود عدایه دایر نمائیم شهر ما آباد مردم ما ترقی نمایند دین و مذهب ما تازه گشته یعنی اسم بی رسم نباشد علمای بدعوت و ارشاد مشغول و خدمت باسلام نمایند

اجال حال این ملک این است اولاً مشروطه مضر بحال این مردم است تا جان دارند اقدام نمینمایند الا معدودی از علما که تنوی و دیانت دارند طالب اساس عدل و مشروطه میباشند باقی نه میدانند نه میخواهند باقی اعمال آنها را جایز نمیدانم تترجیح کم اگر عدلیه برپا شد البته ظالم خواهد شد صاحبان املاک و بزرگان صاحب دولت هم هست که شاید نیم میلیون دولت دارند بگذره خیر دوایشان نیست بکلی از عوالم انسانیت و تهذیب و حب وطن محروم، عوام الناس عبد البطل اجتماع آنها صورت نمی یابد مگر بجهت ارزانی نان و سایر ماکولات تاجر معتبر بزرگی ندارد یا امامت کار اگر معدودی نیز باشد هیچوجه حب وطن نمیدانند زولی بگیرند حسی باعلی درجه بی انصافی بفروشد، همچن ایالتی که زحمت تشکیل داده بودند از عدم همراهی مردم و مفارقت و معاندت مستبدین و عدم معاونت اجزای حکومت با اینکه از اجله علما و تجار بودند همه کناره نموده و اقدای ندارند قوه نظامی کرمان بالمره متلاشی شده که معدوم صرف است بجهت اینکه در حالت استبداد از چهل هزار تومان مواجب بچاه از توین مداخل و تفاوت عمل وزیر جنگ میخواست لذا اغلب سرباز را از دهات از مردمان پیلهور ملاک میگرفتند که اگر در وسط سال او را مامور بجائی دور یا گرم نمایند بیست تومان سی تومان داده مضاف باشد عوض دیگری برود بعضی سربازها نیز که از هلاکت ناچار بودند که بجای بیج شش قران نقد و نیم من نان کتف حاضر خدمت کردند باز نه فعلمی و بنائی و هیبه کسی امر خود را گذرایده خدمت آنها نیز جز قراولی چیزی نه بود و اگر ماموریت و مسافرت بجائی می یافتند يك اسباب زحمتی برای رئیس بود که بایستی آنها را سیر نماید در این دو ساله از حفظ خود بخدمت دولت نه پرداخته متفرق شده معدودی در شهر قراولی خارجه و غیره مشغول اسکنون اصلاح این جور سرباز از قوه این صاحبان منصب خارج است باین حیره مواجب های سابق که از بس حاکم میشود بالاخره هیچ باقی نمی ماند سرباز حاضر نخواهد شد سرباز مواجب حیره کافی نماند

میخواهد البته هزارها دو طلب حاضر خواهند شد لازم نیست بمنف بگیرند سرباز مشق میخواهد اسکنون تمام صاحبان منصب این افواج حاضرند مطالبه حقوق دارند اگر خاسته باشند بقانون های زمان استبداد رفتار نمایند ممکن نیست بحدائق صاحب منصب زیادت از تاین است در این صورت باید وزیر جنگ مامور مخصوص روانه فرماید هر قدر لازم است سرباز بقاعده با حیره مواجب کافی تهیه نمایند که هر روزه مشغول مشق باشند طریق سابق این بود که يك حکومت سربازی گرفته با هزار جور بگیر و به بند قوی را بگیر قوی را بگیر تعاری گرفته مرخص کرده بالاخره مدتی تدارک از ارباب گرفته سربازی بنام او میگرفتند مشق کرده قابل می شد حکم دیگر آمده باز بجهت مداخل سرباز مشق کرده را اخراج نموده از نو سرباز میگرفتند محل سرباز یکی دو تومان نقد و پنجاه من گندم است که امسال نیز از هر جا ممکن بوده سرباز گرفته است و حاضر نشده، حاصل آنکه برای عموم کارها معلم لازم است خواه جزئی خواه کلی ایران های تربیت شده در خارجه موجودند در هندوستان از اهالی کابل قندهار خود هندوستان پنجاب مردم شیعه قزلباش تحصیل کرده زیاد است که به يك اعلان عمومی حاضر خواهند شد بدون رشوه قابل خدمات کشوری لشکری عدلیه سایر اداره ها انجمن بلدی و غیره میباشند باید جلب نمود بخدمت و داشت برای کار های بزرگ از اروپا از ژاپون از فرانسه و غیره معلم لازم است که پس از آموختن برگردند بکنتر معلم از انگلیس در کابل برای ساختن گاوله های شریل امیر عبدالرحمن خان اجیر نموده بود يك کار عمده را که شاید چرخ کردن بوده استادان کابل یاد نداده بود سپسالار کابل يك روز سیلی بگوش او زده شمشیر کشیده که او را بکشد بچاره بحالت ضعف نزد امیر صاحب رفته شکایت نموده بود امیر مرحوم سپسالار را احضار سبب او را سؤال فرموده بودند سپسالار که این کار را با تاره خود امیر کرده بود عرض میکنند که این شخص دو سال است بکابل آمده هنوز سپسالار

پهلار مقرون بحساباست بعد اورا استمالت کرده
قورا تام کار را یاد میدهد

معلم همایه چون غرض دارد برای ایران بکار
نمیخورد باید از عاكت دیگر آورد وقت تنگ است
چشم اهل عالم باها دوخته چه اقدامات میکنیم. حال که
عموم اهالی ایران میدانند ایرانش دولت قانونی و
مشروطه میباشد باید جدا قوانین را جاری کرد و
انتشار داد که هرکس حد خود را بداند و تکلیف
خود را بشهد، رؤسای روحانی که فتوی به پرداختن
خراج مملکتی دادند در این صورت نباید صبر کرد
تا تعدیل قانونی شود باید مامورین وزیر مالیه با
مواجبات کافی همه جا رفته بدون ظلم و اجحاف بهدالت
مالیات علی السجاله بموجب قبل وصول نموده در محل
معتبر یا تنگ جمع نمایند این کار به تصویب انجمنها
میخورد انجام می یابد، سپس مامور وزیر جنگ نیز
حضور بهم رسانیده علی السجاله بقدر سکناف نظم
داخله تریه قشون نموده هرچه سوار لازم است از
ایلات معتبر معین کرده و هر قدر سرباز لازم است
بقدر لزوم احضار و اخبار نموده مواجب و حیره
کافی و لباس خوب داده در شهر مشغول مشق
بگردند حساب قورخانه و ذخیره را می نمایند

برای استرداد اموال دولت همه جا انجمن ایالتی
و قوه ملی در حمایت مامور وزارت جلیله جنگ
و داخله حاضر است ایلات و اهالی دهات کرمان
از اهالی شهر کرمان زیاد تر حاضر برای انجام امر
مشروطه میباشند اهالی شهر خواه حاضر باشند یا
نباشند فرقی ندارد شعر باف یا قالی باف هرگز
منشاء اثر بزرگی نه بوده و نیست

غرض ما از بی میلی و بی شعوری آنها میباشد
که اقدام مامور خیر ندارند با وجود دولت زیاد
که اغلب از هر طبقه دارند از ترمی که مبادا صد
دیوار ضرر بآنها برسد در تأسیس انجمن بلدی
حاضر نمی شوند از مشروطه میترسند که مبادا عنصر
بر آنها تعلق گیرد از مساوات حذر دارند سکه
مبادا بگویند شما باید مثل سایر رعایا رعیتی بنماید
یا خدا نخواست وظیفه و استمراری و مواجب آنها
را قطع نمایند امر خیر و صلاح اعضاء محترم مجلس
شورای ملی و اعضاء انجمن های ایالتی و ولایتی این
نیست که چیز تازه بر مالیات مملکتی زیاد نمایند فقط

همین مالیات را که تا بحال حکام میگرفتند بهدالت
بگیرند نگذارند ضباط و حکام بخورند اگر سه
مقابل نباشد دو مقابل هست مواجب بحکام و ضباط
کافی داده شود که دیگر تصرف در عمل مالیات
نه نمایند

در تمام بلوکات عمل مالیات را بکنفر کدخدا
یا کلانتر صورت میدهد اندک جبر و تعدیل نموده
اورا بر ضابط محل جمع بگذارند تا خود مردم در
موقع برسانند لا سکن هنوز طایفه استیفا و دراز
نویسان که محال میدانند جز بتدرت قلم آنها کسی
از امور مالیات سر در نیاورده با نهایت غیظ و غضب
سکوت دارند که از هر محل هزار ده هزار باسم
استصوابی وغیره اخذ نمایند در اول در باغ سبز
نشان حاکم داده صد هزار دویست هزار تفاوت عمل
نمایانیده بالاخره اگر خود را تسلیم آنها کرد باید
هستی خود را هم داده برود، نه بخدا بکنفر کدخدای
ده جزئی و کالی مالیات را صورت میدهد از صد
سال قبل تا بحال سال بسال صورت موجود دارد
البته دفتر لازم است مستوی لازم است شاید زیاد
تر هم خلسته باشیم لکن همه با مواجب کالی با نهایت
صحت با قلم راست نه اینکه پول بی ادبی و جرمه
صدای قربانغه و کرک بالتو نبت نمایند، محل سرباز
را امروز باید مامورین وزارت مالیه یا وزیر جنگ
بگیرند هر سربازی حاضر خدمت شد حیره مواجب
کافی بدهند، دو فوج در شهر کرمان یکی فوج قدیم
یکی فوج شوکت است صاحب منصب حاضر است نه
بکنفر سرباز حاضر است نه سرباز آنها مگر معدودی
در مانده و مانده آنوقت همه جا محل سرباز میگیرند
پلی همین ترتیب است که کار ایران را بروز سیاه
نشایده میگویند بچاره سرباز ما صاحب منصب سکه
مواجب میخواهد چه بکند خرج زیاد دارد سرباز
یا صاحب منصب که خدمت نکند وجودش مضر بشر
نیست مگر این قرار داد از جانب خدا بواسطه
جبرئیل امین نازل شده که دو فوج سرباز باسم و
چهار دسته اغلب زیاد تر نباشند، امروز بانصد نفر
سرباز بقمانده حیره مواجب حاضر خدمت معین
نمایند يك فوج باشد صاحب منصب نیز بقدر همان عدد
باشد کالی است شما سرباز ملی میخواهید برای روز
بد خدا نخواستہ دو تمام دهات در شهر چندین هزار

جوان را فتوای عموم علمای بزرگ نه اطفال ملا
 نما که باز بچه باشد در هفته دو روز مشق داده
 مندرجا تمام لوازم این ده هزار نفر را هم از تنگ
 و لباس مهیا نموده عبرتندگان ملت اقدام نمایند هر
 وقت اقتضا کرد لباس پوشیده حاضر جنگ باشند
 نه اینکه چهار نفر شالاب یا قالی باف را از کار
 بیکار کرده تنگی بدست آنها داده یکی سر بر یکی
 مکنز یکی شش لول ایها را سرماز ملی بگوید آن
 وقت شبها بسبب در کوجه ها تنگ خالی کرده
 مردم را به ترسانند در صورتیکه صد نفر آنها را
 بکنفر سوارکان از پیش بر میدارد، سرماز ملی حساب
 دارد در تحت قانون وزارت جلیله جنگ باید مشق
 نمایند شرفا و بزرگان و تجار بزرگ انگلیس که
 هم تجارخانه و کورورها دولت دارند با اطفال مدرسه
 ها روز یکشنبه در بهی لباس سربازی پوشیده
 مشق میکنند، قاضی القضاة بهی نیز با لباس جنگ
 سواره فرمان میدهد علم میخواهد علم، این حرکات
 وحشیانه سر خود بدون هیچ قانون مسخره بازی
 است که احاب مارا مسخره نمایند امر تبریز را
 نمیتوان قیاس سایر شهرها کرد که بدون قانون و
 بدون مشق یک سال در جلو گلوله توپ و تفنگ
 ۴۰۰۰۰ قشون دولت و سوارهای بی رحم سفاک
 رحیم خان و غیره ایستادگی کردند آنها را از عیب
 مدد رسیده آنها باید سر افتخار باسنان بلند نمایند
 آنها را عبرت سردار و سالار ملی و اهالی
 آذربایجان پیش برد

(چه نسبت خاک را با عالم پاک)

هرچه آنها در راه حفظ استقلال وطن و
 اطاعت امر حجاج اسلام کوشیدند اهالی فارس و
 بعضی ایلات کرمان در غارت اهالی وطن کوشیدند
 آنها دیدار صاحب عبرت مسلمان خالص العقیده
 میباشند اهالی فارس و کرمان بی دین بی ناموس بی عبرت
 دزد راه زن میباشند چون در این ایام قریب دو
 هزار نفر از ایلات عرب بهارلو به تحریک روسای
 دزد خود بکرمان زمین ریخته تمام بلوکات سیرخان
 و فسنجان زرد را غارت کرده باعث قتل نفوس و
 هتک ناموس شدند

طهران

(وقایع نکار ما)

(۱۵ شوال ۱۳۲۷)

دوین هفته اگرچه در جزئیات برخی تبدیلات

پیداشده ولی کلیات امور همان است که بود سرفاوتی
 خیلی مائل به پیشرفت کار هستند ولی چون کارها
 بروی شالوده صحیح از اول گذارده نشده نه تنها
 کارها بر وفق مرام پیشرفت نمیکند بلکه هرروزه
 از پیشرفت می اوفند اگرچه جوی از حول و حواشی
 همچو می بندارند که علت عدم پیشرفت کارها از
 نمی بودن خزانه دولت است ولی بنسبت چنان
 تصور می نمایم که از نداشتن آدم و نبودن
 علم است و یک خورده هم که بالا روم خواهم
 گشت که از تقلیدات دوره استبداد یا بصارت دیگر
 از حیف و میل دستکاه است

مردم خیلی محبتها میکنند من جمله این است که
 بول در دستکاه دولت جدید بسیار آمده ولی بد
 بختانه حسابش در هیچ جا طاهر نشده میکنند
 اصول مراعات از میان مرتفع نگردیده ازین رو
 مستبدین انگشتها با اصول مراعات دارند بروی کار
 می آیند و من مانند دیگران فقط اسم استبداد
 و مشروطه را مافع و مضر تصور نمی نمایم و مقتضی
 چنان میدانم که این اختلاف اسم که مورث اختلاف
 رسم در مملکت است از میان مرتفع گردد معذالك
 اصول دوستی و مراعات که درین دوره پیش آمده
 بچند جهت مضر بحال ایران میدانم

(۱) مستبدین غیر متحص که بمراعات دوستی در
 کارها شمولیت میدهند خوف آن می رود که در
 عود استبداد کوشش نمایند

(۲) مشروطه خواهان پس از آنها جان
 فشانی همین که دیدند دوع و دوشاب یک حکم را
 پیدا کرده مأیوس شده دست و دلشان از کار سرد
 می شود

(۳) رعب دولت جدید از قلوب مستبدین دور
 و نزدیک که هنوز سر بچمبر اطاعت دولت درست
 بیرون نیاورده قوی و جبری میسازد همین امور
 سبب گردیده که رعب و سطوت دولت جدید روز
 بروز دارد از قلوب زائل میگردد، امروز چند
 یارقی هست و یکی از آنها دارد کسب نفوذ و وسعت
 می نماید چرا که برخی روحانین در او شامل اند و
 خوف آن است که این جزئیات رفته رفته کای شود
 مسئله اردبیل خیلی بر جنارت مستبدین افزوده
 و خیلی از رعب و هیبت دولت جدید کاست مصادق
 امور پیش آمد این واقعه ناگوار را از بی بولی
 میکنند ولی قبول نمیکم چرا که درین چند ماهه

باسم و بدون اسم بقدری پول در دستگاه دولت وارد گردید که در هیچ دوره وارد نشده بود هنوز هم بدون اسم دارد پول وارد می شود و تمام این خرابیها از اصول مراعاتیست که مصادر امور اختیار کرده اند و هنوز هم میزنمایند

کارها صورت ظامری یا اسمی پیدا کرده ولی تا اکنون نتیجه در هیچ جا و از هیچ کار حاصل نشده است حالت جنوب از اوضاع شمال خیلی سخت تر و بدتر به نظر می آید و این خرابی جنوب هم تمام از مراعاتی بی جا است که سر بکجا زند خدا داناست همین ملاحظات و خرابیهای درون و برون است که مصادر امور پیش از پیش سالی گردیده اند که هر قسم باشد تا آخر این ماه مجلس را افتتاح نمایند و اول امری که موضوع بحث مجلس قرار دهند استقراض خواهد بود چه مصادر امور میگویند بدون پول کار از ما پیشرفت نمیکنند ولی بیشتر از وکلای دانا مخالف با استقراض اند با این اصول امروزی و چنان می پندارند که تا شده اوده صحیح گذارده نشود هر وجهی که بدستگاه دولت برسد مانند وجوهی که درین مدت رسیده بی حساب خواهد ماند و هیچ کاری پیشرفت نخواهد کرد و مضمون است در سر همین مسئله کابینه تبدیل باید ولی در حال سردارین در کابینه جدید هم خواهند بود تمام توجه دانایان به ناصرالملک و اقدامات علامه اوست ولی عقیده بنده این است که چون اساس کار بر صحت نیست اگر نخواهند همین اساس هرج و مرج کارها را از پیش به برند نه مجلس کاری از پیش تواند برد و نه ناصرالملک و نه سردارین باید مدوا شاورده کارها را بر علم گذارند ورنه وکلا پریشان و وزرا بدنام خواهند گردید من رموز کارها را بخوبی نمی بینم بلکه بر عکس خداوند خیر فرماید

ترجمه اخبارات راجه پاران

روزنامه پانیر مینویسد حکومت ملی در ایران غالب بی نظمیهای مملکت را با احتیالات و دس-ایس وکلاء مستبدین که محض منافع و فواید محمدعلی شاه مخلوع کار میکنند منسوب میدارد ولی این توضیح را

را تقویت دهد ، ظاهراً بی نظمیهای محلی بواسطه آن است که عراده دستگاه دیوانی در ظرف مدت بلوا خراب شده و در فرستادن مامورین کافی که بتواند از عهده راهبران عشایری که راههای کاروان را مشغول میکنند برآید - در صورتیکه امنیت داخلی و انتظام محلی باید در جنوب حاصل شود ضرور است که هیئت قشون مرتب و منظم و یک قوه پلیس نظامی تشکیل یابد - و اما از بابت اقصای شمال ایران در طهران احساس خوف میشود که واقعه اردبیل بواسطه عملیات مستبدین بوده است ، رحیم خان که با یک جوقة از عشایر بر شهر اردبیل حمله آورد یکی از هواخواهان صیدی شاه مخلوع میباشد که اینک رفتار و حرکاتش در محاصره تبریز این فقره را بنیوت رسانید و حالا ممکن است که بهواخواهی آقای قدیم خود هم میدان داری مینماید

خبر شیراز از جریده سول اند ملتزی گزرت مینویسد - حالت فارس را نمیتوان گذشت که اصلاحی بذرفقه باشد در شمال امالی کوهگیلویه بجاول و غارت اشتغال داشته و از یک قافله بیج نفر مکاری کشته گشته و جارواها و بارهای آنها مستحکات دزدان در کوههای مغرب برده شدند قشون نظامی ایران از بدم بدتر است قریب یکقره پیش نصرالدوله فرمانفرما و قونسولهای مقیم آنجا ضیافتی داد و این مطلب تا اندازه نتایج سیئه داد - دشمنان فرمانفرمای فارس خیلی پیرایهها باین ضیافت بسته و خیلی اخبارات اغراق آمیز بصوت الدوله ارسال داشته و از مقامات عالیه که بنصرالدوله اعطاء شده خیلی سخنها رانند ولی البته این مطلب بکلی بوج و پیروده است ، در هر حال صوت الدوله حقیقتاً مکدر بنظر میاید و عشایر اکنون موجب زحمت میشوند - کاسه های سیم تلگراف خیلی هدف گلوله ایشان میشود و از قرار اخبار وارده بسیاری از آنها را گلوله زده و خراب کرده اند ولی مشکل است محقق گردد که این عمل بهواخواهی صوت الدوله یا بمخافت او ارتکاب میشود - بعضی شمبات طایفه قشقان بر ضد صوت اند و با برادرش که در طهران مقیم است دوستی و مودت دارند و

(کنگو) ساخته شده

(۶ ذی‌قعدة - ۲۰ نومبر)

§ روزنامه (دلی تلگراف) می نویسد که
(مستر هربوت کلاستون) حکومت (افریقای جنوبی)
را قبول کرده است

§ خبر رسمی (وندرز) ایفان می نماید که هیچ
تدارک عروسی (اعلیحضرت مینایول) با شاهزادی
انگلیسی دیده نشده

§ اعضای کبیران بحری دولت چین را امروزی
اعلیحضرت (ادورد همتم) پادشاه انگلستان در قصر
(وندرز) دعوت خواسته اند

§ بابالی جبهه بردن پست در (آسیای جنوبی
و جزیره استریلیا) مقرر نموده سه‌آلاه پست و
بیجزار لیرا بدهد

§ در بودجه مخارج دولت آلمان ظاهر شده
که قونسل از آلمانی جبهه حفظ حقوق تجارتی دو
(ادنا و طرازون) مقرر خواهد شد

§ (میو کوکوفوف) از مشرق اقصی به
(پترزبرگ) مراجعت کرد

خبری از (روم) رسیده ظاهر مبدارده که از
(ادیس ایپیا) پای تخت حبش تلگرافی رسیده که در محله
مزاج (منیلک) تغییر و تبدیلی دیده نمی‌شود

(۸ ذی‌قعدة - ۲۲ نومبر)

§ دید و بازدیدهای قصر (وندرز) را اعلیحضرت
مینایول بانجام رسانید و يك هفته در (لندن)
بطریق غیررسمی بسر خواهد برد

§ در حین شرفیابی کبیران بحری چین بحضور
اعلیحضرت پادشاه انگلستان در قصر (وندرز) (لاره
مارلی و سرچارلس هاردینگ) نیز حاضر بودند

سفير دولت چین خط پادشاه چین را تقدیم نمود
سپس بحضور ملکه انگلستان هم رسیدند ، در
تناول عصرانه خانم های (انگلستان و ناروی) و
بسیاری از خانواده پادشاهی شرکت داشتند

(۹ ذی‌قعدة - ۲۳ نومبر)

§ ملکه (اسپانیا) در (لندن) رهسپار شد برای
عبادت برادر خود (پرنس لیو پولد) که بعد از
صحت از مرض (انفولنزا) به امراض دیگر مبتلا

ولی متعمرد میباشد و محتمل نیست که مصدر فساد
شود برادرش در نظر بعضی عشایر محبوب است و
اگر او بایل خانیکری معین گردد ممکن است که
دیگران هم عا قریب نسبت باو اظهار صداقت
مایند . مستر پیل قونسول انگلیس با آن کاردانی
که دارد رفته است صولت الدوله را ملاقات کند و
ممکن است که این مسافرت مشارالیه موجب خواهد
شد که صولت الدوله حقیقت احوال خود را صحیحاً ببیند
ورود حضرت حجة الاسلام لاری شیراز

بموجب خبر تلگرافی نوزدهم شهر شوال حضرت
حجة الاسلام لاری دامت برکاته از لار حرکت
فرموده اوایل شهر ذی‌قعدة وارد شیراز گردیدند

تلگراف مخصوص طهران

(۲۷ نومبر - ۱۳ ذی‌قعدة)

جناب عضد الملك با کثرت آراء و کلام مجلس
نایب السلطه تصدیق شد

حبل المتین

نظر بحسن طبیعت و بکلای این دوره داشتیم
تصور نمیکردیم که درین مسئله روشن اختلاف
رأی پیش آید، لفظ (اکثریت آراء) دال است
براینکه برخلاف انتظار ما برخی و کلا درین موضوع
اختلاف رأی طاهر نموده خیلی اسباب یأس ما گردید،
با این همه اکثریت آراء ما را امیدوار نمود که وکلای
اصلاح خواه روشن دماغ این دوره علیه دارند ،
خدارا شکر که ازین دغدغه و خطر عظیم که اعظم
خطرات متصور بود برای همیشه رستیم ، چنانچه
از آغاز امر تا کنون نوشته باز هم تکرار می‌نمایم
که نظر بحال و اوضاع کنونی ایران مودون ترین
نایب السلطه عضد الملك است و ما از صمیم قلب
نه تنها حضرت اشرف عضد الملك بلکه ملک و ملت
ایران را تبریک گشته از وکلا نیز تشکر می‌نمایم

تلگرافات

(۵ ذی‌قعدة - ۱۹ نومبر)

§ کبیران بحری دولت چین در بندرگاه (دور)
وارد ، شلیک سلام نموده شد ، ناایان اداره جات
بحری و بری در (چیرنک کراس) با کبیران
مزبور ملاقات نمودند ، در (دور و لندن) آنها را

استقبال نظامی شد

(جبل المتین کلکتہ)

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

HABUL MATIN OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیہ امور ادارہ با)

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(ہر دو شنبہ طبع)

(ہر دو شنبہ توریج میشود)

(یوم دو شنبہ)

(۲۲ ذیحده ۱۳۲۷ ہجری)

(مصادف با)

(۶ دسمبر ۱۹۰۹ میلادی)

و کلا حق اخذ ایوان بدون قرض ندارند و تا وقتیکہ
(مشترکاً و بعض خصوص سال ہفدهم دست نیافتند)
(ذمہ شان بری قضاوت نمیشود)

نامہ مقدسہ

المتین

سنہ ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف ادارہ درج نمیشود)

(قیمت اشتراک)

(سالانہ — شش ماہہ)

(ہند و برہمہ)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک)

(روس و ترکستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

در این جریدہ از ہرگونہ اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعہ مقبول و در اشارش ادارہ آزادست)

کشت پانیک ایرن

(یا اغتشاشات جنوب و شمال)

در این یک و نیم سال اخیر صفحہ ایران نیکو میدان مشق بلغی مأمورین دو ہمایہ گردیدہ تا کنون مأمورین [روس و انگلیس] را در داخلہ ایران آن جسارت نبود کہ بلا واسطہ با امرای عشائر و رؤسای ایلات و صاحبان رسوخ و نفوذ بلدان ملاقات نمودہ و خویشان را مصلح و واسطہ ہر اغتشاش قرار دہند (یعنی بلا واسطہ آنها را دستورالصل نمیدادند و راہ نمان نمی نمودند) - در دورہ استبداد سزرا و مأمورین دو ہمایہ تنہا رسوخ و نفوذ شائب محدود در دربار و بر ایالات و حکومت بود ولی در این دورہ انقلاب مأمورین شان موقع یافتہ دائرہ نفوذ و رسوخ خود را در ملت توسیع دادہ رعب و اقتدار خویش را در قلوب آحاد جای میدہند .

بزرگترین ثلمہ کہ باستقلال یک مملکت رختہ تواند انداخت همین طریق استقلال ویران کن است و باب الابواب مداخلت اجاب در امور داخلہ یک مملکت ہمارہ ازین طریق بودہ است ، ناپہندگان حول بیدار در امور ہر مملکت کہ خواستہ دخالت نمایند ازین راہ و طریق بیرون آمدہ اند .

تاریخ تصرفات [روس] در قفقاز و [انگلیس] در ہند باسلوک امروزہ شان در ایران نکاتی چند را با نابت می نماید ، ہرگاہ قدری در تاریخ باریک شویم جز آن اقدامیکہ امروزہ ہمسایگان در ایران شروع نمودہ باین شدت بدو در قفقاز و ہند نبودہ است

ہیچ دولت تصرفات غیر محتانہ خود را بتندی جلوہ نمیدہد و مخالف سیاست است کہ بگویند ما قصد تملک مملکتی یا محو استقلال سلطنتی را داریم این است کہ ظاہراً از اظهارات خیر خواہانہ باز نمی ایستد ، سیاسیوت دانا فقط نتیجہ میخوانند ہر قسم کہ حاصل شود

ہیاموی مہمل بی فائدہ را دوست ندارند در ہرکار مضویت میجویند نہ حسن ظاہر ، از مباحث الفاظ خارج شدہ در دائرہ مضویت در آمدہ اند ، حصول نتایج پلٹیکی تدریجی است و ما ایرانیان بدبخت از آن غافلیم ہرگاہ محاکمانہ در تاریخ باریک و موازنہ اقدامات ابتدائی دول را در تملک بخاک دیگران نمانیم با اقداماتیکہ اکنون دارند در ایران ہم نمایند ہیچ فرق و تفاوت نخواہیم دید ، سخنان توخالی خوش ظاہر برخی انگلیس پسندان و روس پرستان را بہ دوزخ گنہیدہ نباید ارزش گناہت داد کہ انگلیس بخواہ مشروطیت ما را برہمہ دادہ

امروزه در پیش دارند راه و ریجه کار را بدست آورده پیش از پیش در داخله برای پیش رفت مقاصد خود تشکیل پارتی نموده و رفته رفته طبایع عام و خاص را بصودیت خویش مانوس می نمایند، و دپری میگذرد که اهالی را بیکدیگر انداخته حایه سری و علنی از یکطرف نموده قوای طیبی مملکت را مضمحل و بدون خون ریزی و صرف زیاد متصرف میشوند

هرگاه تاریخ دیگران قصه فرض و نظری بسوگ روسها درخراسان شود (که تا چند سال قبل جرئت اینکه قونسل روسی بفرستند نداشتند و رفته رفته بادازه بر نفوذ خود افزودند که بدون وحشت و دهشت درین شهر قبالاسلام فرمافرمانی می نمایند) این مقالات تصدیق خواهد شد این است که سیاسیون متفق الکلمه اند که نفوذ سیاسی تدریجی است و ازین روست که ملل حیه درهمان اول قدم جلو متفدین سیاسی را میگیرند کما اینکه قرب سی و پنج سال است انگلیس با مرحوم امیر عبدالرحمن خان افغان معاهده نموده و ملیونها سالی بافغانستان میدهند ولی تا امروز ذره نتوانستند بر رسوخ و نفوذ خود بیفزایند ، حتی درین سی و پنج سال مقتدر نشدند یک نماینده انگلیسی در [کابل] بفرستند و بهمان وضع اولیه باید نماینده انگلیس در [کابل] مسلمان باشد و بجای آنکه درین مدت مدید بر نفوذ نماینده انگلیس بیفزاید همواره از او میکاهد ، چرا حکمداران بیدار افانستان هر لحظه نگران اند که نفوذ انگلیس زیاد نشود و در اول قدم در جلوگیری بهرگونه فداکاری حاضر میشوند ، این است که طرف مقابل برای خیرقلیل بشر کثیر رضا نداده ساکت میگردد

برعکس ایرانیان عیاش راحت دوست آرام طلب نا طاقت اندیش که در جلو نفوذ خارجه و او هر قدر زیان رسان هم باشد به تصور اینکه جلوگیری مغل آسایش شان می شود سکوت نموده تا رفته رفته در عین غفلت آسایش و هوای خویش را هم از کف بدهند چنانچه هندیان و ققازیان دادند

هرگاه از روی بصیرت در اقدامات اولیه روس و انگلیس در هند و ققاز ملاحظه شود بدست

استبداد است ، اینها تمام بازی سیاست ، اینها تمام رنگریزیهای بلتیک است ، روس و انگلیس در سیاسیات ایران باهم متفق اند ، هم مسلک و مشرب اند ، هر تبابی که در آنها به بینیم باجنگ زرگری است و یا محدود بمنافع شخصی آهم در آن موضوع خاص ، بعد از معاهده معاملات ایران بر روس و انگلیس تصفیه بدرفته طرفدار یکی از استبداد و حایه دیگری از مشروطیت جنگ زرگری و موافق قنون بلندی و دیپلمات است

هیچ دلیلی بالاتر ازحسینات در اعمال وحرکات این دو همسایه درایران نیست ، با آن اعتراضات پارلمانی و آن پایه نداشتات جبراند انگلیسی آخر چه نتیجه ظلم گردید ، آبا پوشیده است که انگلیسان تا چه اندازه در شال توییت داده و میدهند نفوذ روس را ، و روسها چه پایه تانید کرده و اسباب فراهم آورده و می آورند برای از دیاد رسوخ انگلیسان در جنوب ؛ چقدر کور باشیم که این حرکات درشت سیاسی را هم به بینیم ، چه اندازه بی حس خواهیم بود که احساس محسوسات اقدامات آنها را در جنوب و شال به نمانیم -

دولت روس را کی جسارت باین درجه رسیده بود که از جاب شال تا دهنه طهران را بریر قشون خود در آورد ؟ و مأمورین روس کی میتواستند با مثل رحیم خان و رؤسای ایلات بلا واسطه تا این درجه حلط و ملط شوند ؛ توب و تیب انگلیس کی شیراز را بخواب دیده بود ؛ قونسل انگلیس کی میتوانست بدون دهنده خاطر و خوف از یاز پرس بلا واسطه باصوات الدوله (قوه قویه فارس) و نصرالدوله و امثال آن خلوت و جلوت نموده اسمش را تعزیم و تقیم گذارد ؟

هرگاه این بساط ها پیش نیامده بود در شال و جنوب این قدرت و نفوذ روس و انگلیس را کی حاصل میگردید ؟ و اگر اصول جنگ زرگری را روس و انگلیس اختیار نه نموده بودند کجا این انقلاب عظیم در ایران پیش آمده و از کجا میتوانستند در جنوب و شال خودرا بنقام امروزی برسانند ؟ حرکات همسایگان ما در جنوب و شال فعلاً ابتدائی و عاقبتی بسیار دنباله دار دارد ، بیاین وسائل که

تاریخ دیده خواهد شد که اقدامات کنونی شان در ایران شدیدتر و زیادتر است

چه قدر این سخن سخیف است که چون ما قدرت نداریم با قوه مسلحه از همسایگان خود جلوگیری باید تسلیم صرف باشیم، امروز موقع سبسی ایران خیلی اهم است ایرانیان قوای طبیعی خویش را نشناخته اند مواج خارجی و داخلی همسایگان خود را ندانسته اند همسایگان ما که باین شدت دارند بر ما زیادتی می نمایند از قوت و قدرت خودشان است بلکه بی حسی ما را دیده مرعوبیت و اطاعت ما را امتحان کرده عدم مایع را در مملکت ما ملاحظه نموده اند

امروز سعادت و شقاوت زوال و استقلال ایران بدست ایرانیان است، ایرانیان خود بخود بیگانه را بوطن خویش دعوت می نمایند اگر ایرانیان اتحاد داشته باشند بکدام دسیسه همسایگان وارد خانه آنها تواند شد اگر ایرانیان اتحاد نمایند هیچ دولتی که بتواند بآنها بتازد یافت نخواهد شد اگر ایرانیان وطن شناسند هیچگاه وطن شان در محاطره نخواهد اوفتاد ملت ایران از هیچ ملت کم نیست جهل و خود فرضی و خود خواهی شان سبب ترکدازی اجاب بر آنها گردیده است

گیریم که ایران قدرت مدافه ندارد چه چیز مانع اوست در ترک امنه متجاوزین، چه چیز داعی آنهاست در بهانه دادن بدست اجانب، ماهرگزنوایم الزام بروس و انگلیس داد چه این بی حسی و بی شیرینی و اسلام فروشی و وطن ناشناسی که در ایرانیان نمودار گردیده در هر قوم و ملت نمودار شود، اهالیش دخالت مسلحه برای همسایگان فراهم آرند لابد زیر دست شده و همسایگان شان هر قدر فرشته سیرت باشند بر آنها خواهند تاخت

وطن خواهان راست که حس ملی در ایرانیان پیدا نمایند، علما راست که معنی دیانت شاری را بر آنها تلقین کنند، و طایف و ناطقین راست که حب وطن را بآنها بجهانند اگر این صفات در ملت ایران بود واقعات جنوب و شمال پیش نمی آمد و هیچ بیگانه و نصیرالدوله مگر ایرانی نیستند امیر و پادشاه و نصیرالدوله مگر ایرانی نبودند از طبیعت که

براست اگر ما را حس ملی بود مأمورین اجانب نمیتوانستند در ما رخنه نمایند نمیتوانستند ما را آله پیش رفت اعراض خویش قرار دهند

امروز بفتوای عقل، شرع، و سیاست، هر ایرانی که اسباب اعتشاش ایران شود مورث اختلال مملکت گردد، سبب مامنی بلاد و شوارع شود، واجب القتل و لازم الاعدام است، استقلال ایران بسته بامنیت است، کوتاه کردن دست خارجه از ایران منوط بانحداد است، مقام منبع ریاست روحانی راست که آرام نگردد، هیئت علمیه راست که آسوده نماید، و تصور بر ما بد که از خلع محمد علی و طرد روحی مستبدین و افتتاح مجلس کار تمام شد، امروز اول مشکلات است، امروز آغاز مخاطرات است، امروز مستبدین پیش از همه وقت دارند کار شکنی می نمایند، و تا وقتی که ایران دارای یک قوه قاهره نشود همین مخاطرات را در جلو خواهیم داشت، وزرا و وکلا راست که قبل از هر عمل اداره قشونی مملکت را منظم نمایند، تا لااقل از عهده امنیت بر آیند و قادر بر جلوگیری هر گونه انقلاب داخلی گردند تا محول و قوه الهی کارها رفته رفته تحت انتظام آید، ولی شرط اعظم آن این است که شالوده قوه نظامی را از روی علم بردارند ورنه بهیچ وجه قدمی فراتر نخواهیم گذارد و عاقبت الامر بدایجه می ترسیم خواهیم رسید

تلفگرافات روتر راجع بایران

(۱۵ ذیحده - ۳۰ نومبر)

خبر روتر از طهران چنین خبر میدهد - بواسطه ناراضی ملت از قصاصیکه حکومت نموده اهالی بشور و خروش آمده بلوا بالا گرفته و ایالت از یم خان خویش فرار نموده است

جبل المتی

ما نمیتوانیم تلفگراف روتر را خالی از اعراف گوایم چه ایالت فارس را قوه و استمداد باندازه موجود بود که اگر تمام اهالی شهر نیز یکدفعه برخلاف حکومت قیام می نمودند فوراً نمیتوانستند بقسی علیه بر ایالت جویند که در حفظ جایت خود مجبور بفرار گردند و حال آنکه اهالی شیراز امروزه بپه فرقه اند و هرگاه یک فرقه هم برخلاف